

تئاتر

روزنامه بیست و هفتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

شماره هشتم

چهارشنبه

۱۳۸۷ دهم بهمن



سمینار تئاتر
در کشورهای اسلامی برگزار شد
سیدمهدي شجاعي، نامي آشنا در تئاتر
گفت و گو بازيگر نمایش مریض خیالي و
سرپرست گروه تاجیکستان



مدیر عامل بنیاد رودکی: اپرای عاشورا هنر مندانه است

در ششمین روز از جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، اصغر امیر نیامدیر عامل بنیاد رودکی از اپرای عروسکی عاشورا در محل تالار فردوسی دیدن کرد. در حاشیه این بازدید وی اپرای عاشورا را بسیار هنرمندانه و نوادانست و اظهار داشت: تاکنون کار مذهبی به این نوع و شکل ارائه نشده بود و مردم عمده‌تاً با شاعر محترم کاشانی آشنا شده‌اند و تولید این اثر فاخر هنری در جهت آشنا بی‌مردم با شاعر این شاعر کرانقدر بوده است. وی ادامه داد: کار اصلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازماندهی، حمایت و تولید آثار فاخری است که با ارزش و در جهت اعتقادات مردم پاشد و همواره هنرمندان را در جهت ذاتیه مردم هدایت می‌نماید. امیر نیامدیر ادامه به نقش بنیاد رودکی در تولید این اثر اشاره کرد و افروز: بنیاد رودکی هم به عنوان پشتیبان و هم با در اختیار قرار دادن سالنی که در خاورمیانه بی‌نظیر است به وظیفه اصلی خود یعنی تولید آثار فاخر هنری عمل نموده است که اپرای عاشورا یکی از همین آثاری به شمار می‌رود و در سال ۸۷ به اجرا درآمده است و آن شاء الله بعد از جشنواره نیز شرایطی برای این گروه فراهم خواهد شد که به اجرای داخل و خارج پردازد. همچنین بزودی لوح فشرده‌ای از منتشر خواهد شد.

خداقوت

در بولتن جشنواره بازار تشکرها حسابی داغ است، شاید این تشکر بتواند بخش کوچکی از خستگی این عزیزان را رفع کند. در این بین جای خالی تشکر از کمیته تشریفات و امور مالی جشنواره خصوصاً داور بر قی نمی‌بینی، مدیر کمیته تشریفات و جواد رمضانی، مدیر امور مالی جشنواره وجود دارد و جای خالی یک خسته نباشد.

رادیو تقدیر می‌کند

مرکز هنرهای نمایشی رادیو، همزمان با آیین پایانی بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر که فرداد رتائر شهر برگزار می‌شود، از آثار برتر تقدیر و جوایزی را به رسم یادبود به سازندگان آنها اهدا می‌کند. نمایش‌های رادیویی که یکی از بخش‌های جذاب جشنواره امسال است از روز اول جشنواره کارخود را در تالار انتظامی خانه هنرمندان ایران آغاز کرده است و تاکنون در این بخش نمایش‌هایی چون «مثل شب» به کارگردانی فریدون محراجی، «شاخه گلی از آسمان» به کارگردانی مجید حمزه، «ایازده، نه، صفر، یک» به کارگردانی آشامحرابی، «بازگشت به خانه» به کارگردانی ابوالقاسم عبدالهی، «بابونه» به کارگردانی محمد حسن عشقیان و «سممقونی روی گذاره» های آتش‌شنان تلخ به کارگردانی میلان اکبر نژاد و نمایش ویژه پیروزی انقلاب اسلامی با عنوان «تیغ کهنه» به کارگردانی نادر برهانی مرند هستند که هر روز ساعت ۱۸ اجرا شدند. امروز نیز نمایش «آش قجری» به کارگردانی مجید حمزه و فردا «شب تنها» به کارگردانی مهین فردناوا به روی صحنه می‌رود. گفتنی است آیین پایانی بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر پنجمین ۱۰ بهمن ماه در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر در ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه برگزار می‌شود. در بولتن روز گذشته نیز اسامی کاندیداهای این بخش راعلام کردیم و همینجا بگوییم در فهرست کاندیداهای نمایش‌های رادیو و تلویزیونی نام سیامک صفری که بازیگر نمایش تیغ کهنه است و یکی از کاندیداهاست به اشتیاه بازیگر نمایش «عزیز مایی» ذکر شده بود و آقای احمد فخار پور نیز کاندیدای بازیگر مکمل دربخش رادیویی، بازیگر نمایش «بازگشت» است از همدان.



روزنامه بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

مدیر مستول: حسین مسافر آستانه
سردبیر: جلیل اکبری صحت
دیر تحریر: آزاده سهیابی
مدیر هنری: فرشاد آل خمیس دیر عکس: رضا معطریان
دیر نقد: ندان انتظامی بخش انگلیسی: علی عامری مهابادی
مدیر داخلی: فرزانه تاری وردی اجرای صفحات: سمهی خمسه
تحریریه این شماره: نوید دهقان، رضا آشفته
انسیه کریمیان مهدی عزیزی، امیدبی نیاز
مژگان بنان، رامین فتایانی و بهمن عن عبدالهی
عکاسان: فروتن، عرفانیان، موسوی، رستمی، ماسانی
سلمانزاده، پیامی، ایتانلو، حسینی، لطفی زاده
حروف نگار: ابراهیم نجفی ویرایش و نومنه خوانی: داریوش آزاد
باسپاس از: حسین پارساپی، حسین نوروزی
رسول صادقی، جلال تجنگی



روزنامه بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر
شماره هشتم، چهارشنبه، نهم بهمن ماه ۱۳۸۷

آنچه دیروز گذشت

هشتمین روز از ماه دوم زمستان مصادف شد با گذشت هفت روز از جشنواره بیست و هفتم تئاتر فجر. ماحصل این روز اجرای ۱۴ نمایش صحنه‌ای، ۱۵ نمایش خیابانی، یک نمایشنامه خوانی و دورادیو تئاتر بود. همچنین در بخش پژوهشی جشنواره نیز اولین روز از سمینار تئاتر در کشورهای اسلامی در سالن کفرانس تئاتر شهر برگزار شد. همانند روزهای گذشته جشنواره، تالار وحدت، تالار اصلی، تالار چهارسو، تالار قصایی، تالار سایه، کارگاه نمایش، تماشاخانه سنگلچ، تالار مولوی، خانه نمایش، تماشاخانه مهر، تالار سوه و تالار فردوسی میزبان اجراهای صحنه‌ای این روز بودند. محوطه تئاتر شهر، پارکینگ تالار وحدت، پارک لاله و پارک آندیشه میزبان بخش خیابانی در روز هفتم جشنواره بودند.

هفتمین روز از جشنواره با تماشاگران بیشتری در مقایسه با روزهای گذشته سپری شد. باور ندارید، خودتان فردا بیاند تا ببینند ولی فقط هرچه زودتر، دیر بجنید جشنواره تمام می‌شود و حسرت آن باقی می‌ماند. دیروز سالن‌ها به قدری پر از تماشاگر بود که باز هم احساس به لرزه در آمدن ستون‌های تئاتر شهر احساس می‌شد. اما خدار اشکر توصیه ماکار ساز شد و با این همه جمعیت شاهد هیچ حادثه‌ای در روز گذشته نبودیم.

به گزارش هواشناسی، دیروز نیست به روزهای قبل هواي تهران با افزایش دما رو به رو بود. اما این قضیه هیچ ربطی به استقبال بیش از حد تماشاگران بخش خیابانی ندارد. باز هم اگر باور ندارید فردا که هوا سردتر است بیاید تا با چشمانتان استقبال بی نظری که از نمایش‌های خیابانی می‌شود را بینید. نمایشنامه خوانی جشنواره با خوانش نمایشی از فارس باقری، یک روز دیگر پاشت سر گذاشت. روزی که گذشت از دحام برای بخش نمایشنامه خوانی به حدی بود که احساس می‌شد مسئولان جشنواره یک اجرای دیگر را برای این بخش اضافه کنند، اما احساس مان اشتباه از آب درآمد. جشنواره است دیگر، باید طبق برنامه پیش رفت.

در نهایت، روز هفتم، جلسه اول سمینار پژوهشی تئاتر در کشورهای اسلامی با چهار سخنرانی به کار خود تاروز بعد پایان داد. در این سمینار شرکت کنندگان از ملت‌های مختلف حضور داشتند و بحث درباره تئاتر در کشورهای اسلامی برایشان بسیار جالب توجه بود. امیدواریم این استقبال در روز دوم سمینار نیز چشمگیر باشد.

کیفیت جشنواره از از دحام تماشاگران برای دیدن نمایشها و برنامه‌های جشنواره مشخص می‌شود.

سمینار تئاتر در کشورهای اسلامی برگزار شد

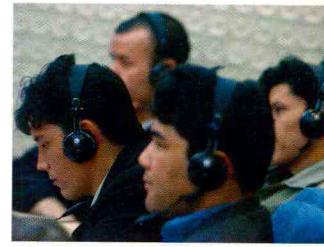
در ادامه سمینارها، روز گذشته اولین روز سمینار تئاتر کشورهای اسلامی با حضور نمایندگانی از تاجیکستان، مالزی، افغانستان و هلند برگزار شد.

تاجیکستان و کمبود تماشاگر

محمد الله طبری، استاد انشکاده مدعواز تاجیکستان در ابتدای نشست ضمن بر شمردن تاریخ تئاتر تاجیکستان از استقلال جمهوری تاجیکستان در سال ۱۹۲۴ تا دوره معاصر بهترین صفحات تاریخ تاجیک را آثاری دانست که در آثار شاعران بزرگ نمود دارد. تئاترهایی که با الهام از رباعیات خیام، غزلیات حافظ و دیگر شاعران بزرگ به صحنه رفتند. او با پرشمردن مشکلات تئاتر در تاجیکستان گفت: در سال‌های بعد از استقلال با وجود تمام مشکلات تئاتر در تاجیکستان متفوق نشد. فضای تئاتری را تئاتر نوبنیاد فخر قاسم رهبری می‌کرد که در این گروه هنرمندان بسیاری پرورش یافته‌ند و نمایشنامه «مرگ بی‌درگد» بهرام بیضایی هم توسط این گروه اجرا شده است. به گفته او از جمله بزرگترین مشکلات تئاتر مهاجرت بسیاری از هنرمندان روسی زبان بود که پس از از فروپاشی شوروی، تاجیکستان را ترک کردند. و دیگر کمبود تماشاگر. هرچند به گفته او با این حال تئاتر روسی هم با وجود این مشکلات با جوانان شایسته و آموزش یافته تئاترهای معروف جهان را اجرا کردند. او درباره وضعیت سالن‌های تاجیکستان گفت: در تاجیکستان ۱۶ تئاتر دولتی داریم که ۱۰ تا از این تئاترهای دو شنبه فعال هستند. البته به دلیل مشکلات اقتصادی سرمایه‌گذاری در تئاتر کاهش یافته است، اما هنرمندان تاجیک می‌کوشند همقدم و هم نفس زمانه خود باشند و دگرگونی های اجتماعی را بازتاب دهند. او در حالی این توضیحات را داد که جمعیت تاجیکستان ۷ میلیون نفر است و تنها یک میلیون و نیم آن در دوشنبه زندگی می‌کنند.

تئاتر مالزی و رشد تفکر جدید اسلامی در دهه ۸۰

صابراشیخ، تهیه‌کننده، کارگردان و بازیگر مالزی‌ای سخنران بعدی بود که درباره تئاتر این کشور توضیحاتی ارائه کرد. او که پس از نمایش یک فیلم سه‌دقیقه‌ای صحبت می‌کرد درباره اشکال گوناگون تئاتر در مالزی توضیحاتی را درباره ورود اسلام به این کشور ارائه کرد و گفت: اسلام در قیاس با دیگر ادیان مالزی بسیار جدید است و از آنجاکه کشوری چند فرهنگی هستیم تئاترهای گوناگونی داریم. به گفته او تئاتری که به زبان انگلیسی بازی می‌شود، با حضور کشورهای گوناگون در کنار تئاترهایی اجرامی شود که ریشه مالزی‌ای دارد. این هنرمندان اهل مالزی به توضیح فعالیت‌های تئاتری در ساحل شرقی و غربی مالزی پرداخت و گفت: در ساحل غربی در کنار تئاترهایی که اجرامی شود گونه‌ای تئاتر داریم که ریشه موسیقی‌ای دارد. در ساحل غربی همچنین گونه‌ای تئاتر داریم که این روزهای آینده دارد. به جز آن تئاترهای آینده وجود دارد که ویژه قل و بعد از زمان برداشت مخصوص اجرامی شود. او باشاره به ورود فلایع تحصیلان تئاتر از دهه ۶۰ به بعد گفت: این دانش آموختگان که از غرب آمده بودند به معرفی تئاتر غربی پرداختند. از دهه ۷۰ به بعد تئاتر آونگار و ابیورده هم وارد مالزی شدند. صابر ابا اشاره به شکل گیری تفکر جدید اسلامی در دهه ۸۰ گفت: رشد این تفکر پرسش‌هایی را به همراه داشت و در این دوره بود که وزارت فرهنگ و جهانگردی یکی شدند و فرهنگ به موضوعی بارزش تبدیل شد که گردشگران آن را پیشندند. او گفت: امروزه با تأسیس دانشکده هنر تغییرات زیادی در تئاتر این کشور به وجود آمده است. پس از صحبت‌های او «امیکه کول» از دانشگاه آمستردام هلند نیز به معرفی دو کتاب که درباره ارتباط بینافرنگی در تئاتر غرب و اسلامی نوشته بود پرداخت.





رحمان سیفی آزاد داور بخش رادیو-تئاتر بازی با صدا و تصویر در ذهن

رحمان سیفی آزاد، نویسنده و تهیه کننده تلویزیون، تجربه کاری خاصی در زمینه نمایش رادیویی ندارد و پیشتر به عنوان شنونده و مخاطب پیگیر برنامه های رادیویی به ویژه نمایش رادیویی بوده است. او اکنون داور بخش رادیو-تئاتر بیست و هفتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر است و انگیزه اش را برای پذیرش چنین مستولیتی نهادنیه شدن تئاتر و فرهنگ تئاتری فعالیت در جشنواره عنوان می کند به اعتقاد سیفی آزاد، دسترسی به نمایش رادیویی برای مردم در سراسر ایران سهل الوصول است. او در ادامه می گوید: «هر کس می تواند با پیچاندن بیچ رادیونمایش رادیویی گوش دهد. جذابیت نمایش رادیویی باعث در گیر شدن تخلیق مخاطب می شود. هر چقدر این نمایش قدر تمدنی اجر اشود مخاطب را بیشتر در گیر خودمی کند و او به سمت تئاتریه عنوان یک کلای جدی فرهنگی کشیده می شود.» سیفی آزاد رشد نمایش رادیو اراده ایران خوب ارزیابی می کند به گونه ای که ضرورت تأسیس یک شبکه رادیویی، اختصاص ابرای اجرای نمایش رادیویی، رخ داده و این پتانسیل توanstه بسیاری از هنرمندان تراز یک کشور را جذب کند. مهم ترین ملاک داوری و انتخاب آثار برتر را سیفی آزاد کیفت اثرات و موضوع آن از این منظر که نمایش به خوبی و درستی و بدون شعار زدگی مضمون را به مخاطب منتقل کند، مورد توجه اوست. به اعتقاد این داور هنر های موضوعی در همه جای دنیا به سمت شعار زدگی و مستقیم گویند مطالب گرایش دارد. اما باید در نمایش رادیویی حس و حال و هوای تصویر های ذهنی را در صدا انتقال داد و هر موضوعی را لازم اثبات یا دفاع مقدس با کیفیتی بالا عرضه کرد. داوران بخش رادیویی هر کدام با فرم هایی که برای شان اهمیت دارد کارهار اشیده و نهایتاً در یک شورای سه نفره با توجه به اشتراکات در معیار و قدرت کارها عنوانین برگزیده را اعلام می کنند. فضاسازی از جمله عواملی است که در نمایش رادیویی اهمیت فراوانی دارد. سیفی آزاد در این باره می گوید: «فضاسازی نمایش های رادیویی به نسبت نمایش های صحنه ای مشکل تر است. چرا که فضای ذهنی مخاطب از صدای اصوات بازیگران و ترکیب کلی صدای هنر پیشه هاست که شکل می گیرد و کشیده می شود به مکان و فضایی که داستان در آن جاری می دهد.» به اعتقاد رحمان سیفی آزاد نمایش رادیویی و صحنه ای سه تقاضا داشت: مهم با هم دارند. تقاضا اول، ذهن مخاطب، نمایش رادیویی ذهن مخاطب؛ رایه چالش می گیرد و این مخاطبان هستند که تصویر می سازند نه عوامل نمایش. اما در نمایش صحنه ای تصویر رویی مخاطب قرار می گیرد. تصویر تأثیر فوری و عینی دارد. ولی در صدا تصویر ذهنی است و مخاطب از جست و جوگری تصویری خودش لذت می برد. تقاضا دوم، داستان؛ نوع روایت داستان در رادیو بار و رایت صحنه ای متفاوت است. در نمایش رادیویی دقیقاً باید بآن از کجا شروع کنیم، به کجا برسیم و چگونه فضایی بسازیم. و تقاضا سوم، ماهیت؛ ماهیت نمایش رادیویی فقط صدا است اما در نمایش صحنه ای صدا و تصویر با هم وجود دارد. رحمان سیفی آزاد در مقام نویسنده و کارگردان نمایش های صحنه ای کرده است. او همچنین تهیه کننده تئاتر های تلویزیونی «دریاروندگان» و مشاور فیلم نمایه «مرگ تدریجی یک روحیا» و «روزهای اعتراض» را در کارنامه کاری خود دارد. سیفی آزاد هم اکنون مدیر گروه فیلم و سریال شبکه چهار و سرپرست گروه فیلم و سریال شبکه دو است.



امروز در تالارها چه خبر است؟

بار سیدن به نهم بهمن ماه، به روز هشتم جشنواره رسیدیم، فقط دو روز دیگر از جشنواره باقی مانده است. اما در این روز بالاجای نمایش های «قصر» کاری از توماس شواینگ در تالار وحدت «آمادتوس» کاری از منیزه محمدی در سالن اصلی، «تراژدی جنگ» کاری از اصغر خلیلی در نالار قشقایی، «دیوار» کاری از کوپریش و بلن در تالار رسایه و «بغ آبلو» کاری از الکساندر ساشادونچر و بیچ در خانه نمایش شاهد رقابتی سایقه ای در بخش بین الملل جشنواره هستید. بخش موضوعی جشنواره نیز بالاجای نمایش های «یوسف می آید»، کاری از سعید تشکری در تماشاخانه مهر، «مرو مردوی در پاسی از شب» کاری از سلمان فارسی صالح زهی در تالار محراب، «شب تلخ پلدا» کاری از حسین سرپرست در تالار شماره یک اسوه و «پرای عاشورا» کاری از بهروز غریب پور در تالار فردوسی روز پر باری را پیش رو دارد. «آمون سنار» ابه کارگردانی علی مهدی و «مویه مادرم» کاری از موهاند رشید، عنوان دونمایش بخش تئاتر ملل است که به ترتیب امروز در پارکینگ تالار وحدت و تماشاخانه سکایچ اجرا می شوند. «تراژدی مکلت» به کارگردانی آرمان طیران در کارگاه نمایش عنوان نمایشی است که در بخش مرور تئاتر ایران در سال ۸۷ در روز هشتم جشنواره به روی صحنه می رود. علاوه بر این نمایش، دونمایش «دیوار چین» به کارگردانی مریم معترف که در تالار اصلی مولوی به روی صحنه می روده همچنین نمایش «خواب برهنه بر» نوشته و کار پسر گشتاسب که در تالار کوچک مولوی امروز شاهد اجرایش هستیم نیز در بخش مرور تئاتر ایران در سال ۸۷ قرار دارد. نمایش بخش خارج از مسابقه امروز جشنواره، نمایشی با عنوان «انتهای آسمان کجاست» به کارگردانی علی راضی است که در دونوبت ساعت ۱۸:۳۰ و ساعت ۲۱ در تالار چهار سوی مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه می رود.

اما امروز در بخش رادیو تئاتر علاقه مندان با حضور در تالار استاد انتظامی خانه هنرمندان ایران شاهد اجرای دونمایش «تبیغ کهنه» به کارگردانی نادر برهانی مرند و «أش قجری» به کارگردانی مجید حمزه خواهند بود. قابل توجه علاوه همدان اساعت ۱۵ در سالن کنفرانس مجموعه تئاتر شهر نمایشی با عنوان «ازین جاتا ابدیت» نوشته و کار مسعود دلخواه خوانده می شود. در نهایت در روز هشتم جشنواره بخش دوم و یکانی سمینار پژوهشی تئاتر در کشورهای اسلامی در ساعت ۱۰ صبح در سالن کنفرانس خانه هنرمندان برگزار می شود.

هشدار به دوستان! با توجه به معرفی نمایش ها و برنامه های متنوع و جذاب، خواهشمندیم امروز حتماً به فکر سلامت خود و تئاتر شهر باشید.

علی شادلو-رئیس هیأت مدیره شرکت تعاونی ماه سرخ پرشیا فرهنگ سازی از طریق خدمات درمانی

شرکت ماه سرخ پرشیایی کی از اسپانسرهای امسال جشنواره بیست و هفتم تئاتر فجر است. از جهت کمیتی های این شرکت می توان به آموزش های امدادی و فوریت های پزشکی، عملیات و پوشش پزشکی اشاره کرد که حتی در بخش ورزشی و گردشگری نیز باهدف تأمین امنیت فعالیت می کند. از سوابق کاری این شرکت می توان به تأمین پزشکی ماراتن، رصدگری کهرسالدر کویر گزار می شود، پوشش پزشکی پیست توچال و ... به عنوان اسپانسر اشاره داشت.

این اولین حضور شما در بخش فرهنگی به عنوان اسپانسر است؟ کار فرهنگی در این قالب برای اولین بار بوده است. اما کارهایی درباره گردشگری، علمی و ورزشی انجام داده ام.

آشنازی با جشنواره تئاتر فجر از چه کسانی گرفت؟ پیشنهاد از سوی دولت بر گزار کننده جشنواره

صورت گرفت و ما استقبال کردیم تا حضور داشته باشیم. بیشتر هدفمان را بر روی فرهنگ سازی در این زمینه تمرکز کردیم. هرجا که تراکم جمعیت بیشتر می شود ضریب خطر هم بالا می رود، پس باید آمادگی مقابله افزایش پیدا کند تا ریسک کار را کاهش دهیم. خصوصاً در بحث تئاتر تمامی جاهایی که حضور داشتیم، تأکید بر این است که چه تماساگران و بازیگران و چه دست اندر کاران و عوامل اجرایی در همان محل مورد درمان قرار گیرند و به محل دیگری برای درمان اعزام نشوند. پس این می طلبد یک درمانگاه هر چند مختصر و با امکانات در حد توان در مجموعه برپا شود که تا الان مامور شده ایم این کار را تجام دهیم. به جز سه مورد که مجبور به اعزام شدیم که به دلیل وجود شکستگی بود.

تاریخ دادوی از خدماتی که به جشنواره ارائه می دهدیم، گفتید، اما این همکاری مقابله بین شما و جشنواره تئاتر فجر به چه شکلی است؟ خدمات مازلای فوریت های پزشکی به مجموعه میهمانان و دست اندر کاران جشنواره تئاتر فجر است و خدماتی که جشنواره به ماغرضه کرد صرفاً راهنمایی بود تا بتوانیم بحث فرهنگ سازی را در این جاذبه ایجاد کنیم. مسلماً هر سرماهی گذاری باید بازگشت سرمایه را هم به دنبال داشته باشد. برای این قضیه چه تدبیری اندیشیده اید؟

این قضیه برایمان یک رودی غیر مادی دارد و آن این که مدم و مستولان با ما آشنازی شوند. ولی رودی مالی برایمان نداشته و انتظارش را هم نداشتم و نداریم. شاید چون در بازارهای زمانی بسیار کمی قرار داشتیم کار را تجام دهیم، در نتیجه مجالی برای اندیشیدن به فضای مالی اش نیویم. ترجیح می دهیم و رودی مان هم آشنازی با این گونه فضاهای باشد و هم اینکه دست اندر کاران با این نوع ارائه خدمات آشنا شوند. فکر می کنم یکی از امکاناتی را که در سال های بعد در جشنواره تئاتر فجر می بینیم، همین امکانات و پیزه پزشکی است.

این حمایت فقط جشنواره تئاتر فجر صورت می گیرد یا طی یک قرارداد کلیه جشنواره هارا پوشش می دهدیم؟ خیر. این اتفاق فقط برای جشنواره تئاتر فجر افتاده است اما مام، هم آمادگی داریم و هم امیدواریم که این اتفاق در دیگر جشنواره ها نیز بیافتد.

مجید باقی مدیر روابط عمومی بیمه نوین فرهنگ و هنر دغدغه ماست

نوید دهقان

بیمه نوین با ۶۰ نمایندگی در تهران و شهرستان های مختلف در کل کشور برای نخستین بار حامی مالی جشنواره شده است. در خصوص این همکاری و نحوه همکاری با مجید باقی مدیر روابط عمومی بیمه نوین به گپ و گفت نشستیم.

چطور با جشنواره فجر آشنازید تا به عنوان اسپانسر در آن حضور پیدا کنید؟ ۲۲ سال در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کار کردم و به مدت ۱۸ سال مدیر

روابط عمومی وزارت ارشاد و مرکز موسیقی بودم. ورودم به بیمه نوین مصادف با ماه محرم شد. به ذهنم رسید که تکایا، مساجد و ... رادر مقابل آتش سوی بیمه کنیم. در نتیجه با پیکری مدیران بیمه به این نتیجه رسیدیم که حسینیه ها، مساجد و ... را در این ایام بیمه کنیم. بعد از این ایام جشنواره تئاتر فرا رسید. در



جلسه ای که با مدیران بیمه داشتیم به این نتیجه رسیدیم که تماساگران و عوامل گروه های نمایشی را در ایام جشنواره تحت پوشش بیمه حواست در آوریم و برای این منظور سقف مشخصی را تعريف کردیم. با چه هدفی این سیاست را پی ریزی کردید؟

هدف از این کار احترام به هنرمندان و تماساگران بود تا بدانند ما فقط به دنبال اقتصاد نیستیم بلکه فرهنگ و هنر نیز از دغدغه های ماست. ما به دنبال یک حرکت نوعی داریم و هفت سال برگزاری جشنواره تئاتر فجر بودیم، بنابراین به یمن شکوفایی سی امین سال پیروری انقلاب اسلامی به اینجا رسیدیم که ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر را در این جشنواره بیمه کنیم.

با توجه به این که خود تاتان مدیر روابط عمومی هستید، به نظرتان روابط عمومی ها چه نقشی را در حمایت مالی حرکت های فرهنگی دارند؟

روابط عمومی های ایدراحتکارهای مناسب را به مدیران خود رانده هستند. در تصمیم گیری های اشان در مرور دستالن مختلف، ارجحیت را به مسائل فرهنگی دهنده دارند. این همکاری با جشنواره آیا فقط منحصر به جشنواره فجر می شود یا

این که کلیه جشنواره های مرکز هنر های نمایشی را شامل خواهد شد؟ در نشستی که با آقای پارسایی داشتیم، مقرر شد تا بعد از جشنواره همکاری مان ادامه داشته باشد. به این صورت که دو کار گروه تشکیل دهیم و کارشناسان فنی ما با مدیران تالارها وارد گفت و گشوند تا بسته به نیاز بیمه شوند. مادر دستور کارمان سرویس دهی به هنرمندان به شکل خاص وجود دارد.



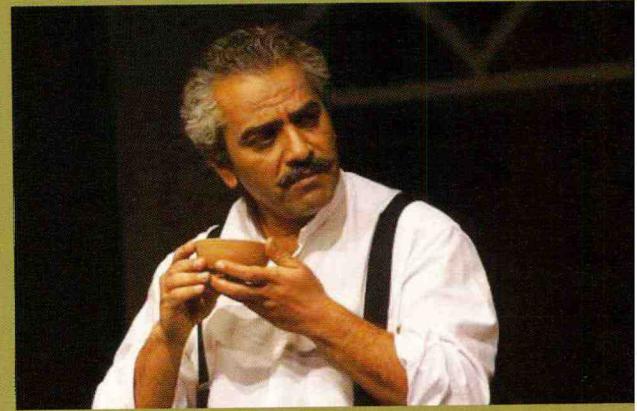
اصغر همت، داور بخش خیابانی نگاهی به وسعت ۴ سال

انسیه کریمیان

است. همت از این که در داوری ها سلیقه یک داور اعمال نمی شود و جمع آراء تبعیین کننده است. احساس رضایت می کند. ایشان معیارهای داوری نمایش های خیابانی بست و هفتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر را این گونه ارزیابی می کنند: مادر در جهات عیوبی می کنیم ببینیم کارها چقدر با مردم ارتباط برقرار می کنند. دوم اینکه کارها چقدر به اصولی که برای نمایش خیابانی وجود دارد پایبند هستند. سوم اینکه نمایش های قدر رنگ و بوی امروزی دارند. قدر مسائل روز و زمان حال رام طرح می کنند و در پیشود این مسائل سهیمند. و در آخر اینکه کارها چقدر به جنبه های آموزشی برای مردم پرداخته اند. و اصول دیگری که مشخص است. اصغر همت بارهای داور جشنواره بوده است و به این دلیل که همیشه اصول مربوطه را در نظر می کیرد. در عقیده او نظر اختلاف فاحشی باید گرد اورانندارد. چرا که همیشه یک سری اصول هست که رعایت یا عدم رعایت آن اصول برای هیأت داوران واضح و تعیین کننده است. اصغر همت نمایش های زیادی را در محوطه تئاتر شهر دیده و شاهد مشکلات اجرایی گروه های نمایشی بوده است. به اعتقاد او محوطه مشخص شده در تئاتر شهر برای اجرای نمایش های خیابانی به منعی محدودیت در فضای وجود آورده و فضایی شبیه به کارهای میدانی ایجاد کرده است. به گفته اصغر همت: بازیگران بارهای سطح زمین نمایش لیز خود دنداما خوشبختان مشکل خاصی پیش نیامد.

مسائلی که بارهای تلویزیون موردن توهم قرار گرفته است مثل: سریازان، فرماندها، سواک و شعارهای قبل و اوایل انقلاب. یکی از عواملی که به خلاقت کارهای ظلمه زده بود زمان محدود اجرای بود. اما با این حال مشاهدهای کار قابل اعتنای بودیم. یعنی کارهایی که بازمان محدود و موضوع از قبل تعیین شده توائیت بودند خلاصه باشند. اصغر همت که هیچ گام نمایش خیابانی باید نکرده است در این باره چنین توضیح می دهد: من فکر می کنم که نمایش خیابانی گونه ای است که بس از این که مابه نوع خاصی از تئاتر عادت کرده بودیم. خودش رانشان داد. یعنی نمایش خیابانی مدارسالهای انقلاب و بعد از آن بود که بیشتر هویت پیدا کرد. شکل این تئاتر به گونه ای است که نمایش خیابانی مدارسالهای انقلاب و بعد از آن که بازیگر کردن در این گونه نمایش نه تنها فکر نمی کند چیزی از دست می دهد بلکه یک تجربه بسیار خوبی است حتی برای آنها که بعد هامی خوانند کار صحنه ای کنند. ما بکار صحنه ای آشنا بودیم و چندان قربانی با کار خیابانی نداشتیم. البته آن زمان دیگر فاقد انرژی یا تمایل به کار خیابانی بودم. اما همیشه از بینندگان نمایش خیابانی بودم و اگر مسئولیتی داشته ام از نمایش خیابانی حمایت کرده ام. اصغر همت در سال های ۸۰ و ۸۱ مسئولیت تئاتر منطقه جنوب تهران را در سازمان فرهنگی هنری شهرداری عهده دار بوده است. در زمان مسئولیت وی، فصل تائبستان در فرهنگسرای بهمن به طور جایی هر روز چند نمایش خیابانی اجرا شده

اصغر همت با پشتونه بیش از ۴۰ سال بازیگری و لمس لحظات سخت و شیرین رو در روی تماشاگری پشت دوربین بودن حالدار مقام داور دریست و هفتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر در کنار ارشید شیر صالح پور و شکر خدا کو در زی نمایش های خیابانی را به قضاوت



می نشیند. نمی توان گفت او بامعیارهایی که می شناسد قضاوت می کند. که معیارهای زندگی او بوده اند. قدمهایش و فیلتری که منع نگاهش را شکل می دهد. همت با همین نگاه دقیق می گوید: انتخاب موضوع خاص در بخش رقابتی نمایش خیابانی تا حدودی کارهار ادچار تکرار کرده است. بسیاری از کارهای در سطح می گذشت و موضوع آنها را سوق داده بوده سمت بیان آشکار و

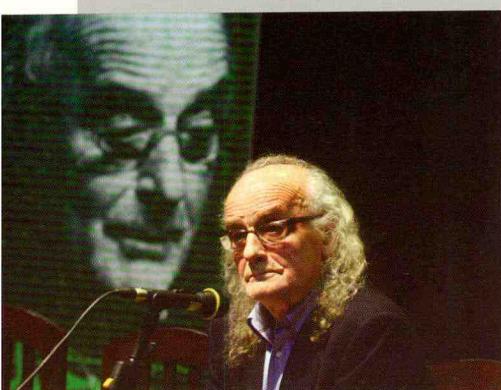
است که بعد از ۱۰ سال ارتباط با تئاتر ایران، کتابی از من به یاد گار مانده و برای برگزاری مراسم امروز هم از علیزاده ممنونم. او درباره کتاب «در باب بداهه» هم عنوان کرد: این کتاب اثری نیست که من نوشته

تلاش می کنم تصور نادرستی را که به دلیل بازتاب نادرست و واقعی در رسانه های مازایران ترسیم شده، با فعالیتهای هنری اصلاح کنم. این کار گردن آلمانی همه جانبه بودن تئاتر ایران را یکی از نقاط قوت آن دانست و همچنین پیشنه فرهنگی ایران را در قیاس با اروپا بسیار غنی تر دانست و گفت: نوعی شاعرانگی در متن و دیالوگ ها وجود دارد که نشان می دهد تئاتر ایران حرفی برای گفتن دارد. وی در بخش دیگری گفت: تئاتر ایران به لحاظ هنری پیشرفت بسیاری داشته است اما امکانات آن رشد نکرده است. باید خیلی بیشتر از این برای تئاتر ایران سرمایه گذاری شود. نباید تنها به افزایش نیروی انسانی اندیشید، زیرا این خطر وجود دارد که جوانان توانایی ادامه کار با این امکانات را نداشته باشند. باید کاری کرد که جوانان به تئاتر فردا میدارند. چویلی با هزار تشكیل ویژه از خسرو و محمودی به خاطر ترجمه کتابش گفت: او برای ترجمه این کتاب ۵ سال وقت گذاشت و به بادگیری زیان آلمانی پرداخت. تلاش او باعث افتخار و شادی من

از روبرتو چولی کارگردان ایتالیایی اصل آلمانی به خاطر سالها فعالیتش در عرصه تئاتر و برقراری ارتباط میان فرهنگهای گوناگون تقدیر شد. در مراسم تقدیر از این هنرمند که با رونمایی کتابش «در باب بداهه» و در دانشکده سینما تئاتر برگزار شد، شهرام زرگر مدیر گروه تئاتر دانشکده سینما تئاتر و مدیر نشر «بیدگل» هدایای را به روبرتو چولی نویسنده کتاب «در باب بداهه» و خسرو محمودی مترجم آن و تقدیر کردند. در این برنامه چولی درباره انتخاب آثار ایرانی برای اجرا در روهه آلمان و گرایش جوانان به آثار جشنواره پسند توضیح داد: تنها جوانان نیستند که جشنواره پسند کار می کنند. متاسفم این خطر وجود دارد که خود را با ذائقه غربی ها وفق دهنند. این کار گردن آلمانی اضافه کرد: تا به حال ۵۰-۴۰ گروه ایرانی را به آلمان دعوت کرده ام که همه گونه کاری در میان آثار آنان وجود داشته است، در این میان تعزیه، تئاتر خیابانی، سنتی و مدرن را دعوت کرده ام. چویلی با تسریح فعالیت مداومش در تئاتر ایران یادآور شد:

باشم، بلکه حرفهای من است که مکتب شده و در اقع گفت و گو با «روبرتو چولی» است.

«نمایش از کارهای خود»





کرد: اینباره این مانیتور را به مرآت مختلف می‌بریم
تا آن جا اجر شود. در شهرهای مختلف امریکا شرایط
مختلفی وجود دارد ولی مادر این اندیشه هستیم که تمازگرها

می‌گیریم و از دولت کمکی در مشکل مواجه می‌کنیم و تمازگرها می‌شوند. در آن جا مابه دنیا اسپاپرس هستیم.
البته معمولاً هنرمندان با مشکل مواجه می‌کنیم و تمازگرها می‌شوند. در آن جا مابه دنیا اسپاپرس هاستیم.
را در وین سوپریسیون تمازگر نیز گفت: «در آن جا مابه دنیا اسپاپرس هاستیم.
مانند روینین مادر این اندیشه کنیم از سوی دیگر هنرمندان بین المللی
کارگاههای آموزشی برای جوانان بازیگری را می‌شوند تا به زیان مشترکی با اسپاپرس هاستیم.
لوبنی: یک روز نامه و تأثیرگذار کنیم که سایر افراد نیز از آن استفاده کنند».

با این نیز همکاری کنیم و یک ملک هنری بنی
هلنلند، ایران و ایالات متحده امریکا تشکیل دهیم»
و یعنی لامب از هلنلند نیز گفت: «اما یک تشکیل هنری
هستیم که انواع هنر را در بر می‌گیرد و روابط از تمازگرها در هنله
است. کار ما فقط تمازگر نیست بلکه نمایشگاه هم برگزار می‌کنیم و کتاب
چاپ می‌کنیم و به طور کالی مجبوریم خیالی ساخت کار کنیم و کتاب
راتامین کنیم. بودجه مارادولت ماسی و ایالت هنرمندان می‌شود و مادرنامه های
مرآت مختلف فرهنگی و هنری استفاده می‌کنیم تا هنری هایمان
هرگز مان این است که آمستردام را به عنوان شهر کتاب معروفی کنیم»

هدف من این است که کار می‌کنیم
در نشست مدیران کمپانی ها و جشنواره ها مطرح شد

تمازگر خصوصی آری یانه؟

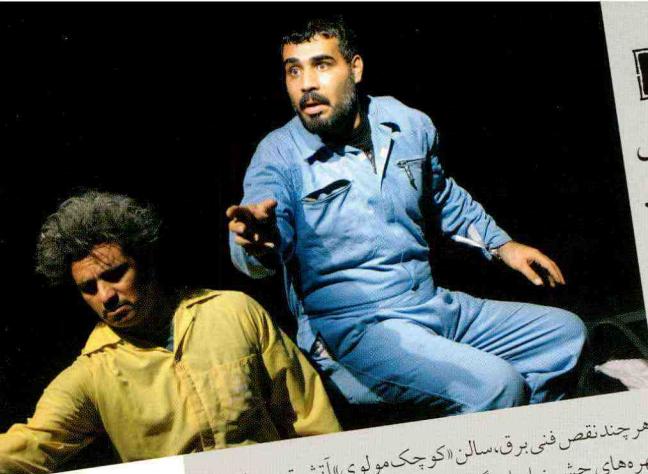
نمی توансد هنریه تمازگر را تامین کند، خاطر نشان
وی باشاره به این که پول گشته به صورت صرف
دولت از مردم اجازه گرفت که برای ساخت تمازگر را با خاطر نشان
نمی تواند هنریه تمازگر را تامین کند، خاطر نشان

کارگاههای آموزشی داریم و اهداف تمازگر را با خاطر نشان
وقعه همچیزی و ۵۰ درصد از سازمان های مختلف و حتی از دولت تمازگر را طبق از کانهای مختلف تامین
کارگاههای آموزشی داریم و اهداف تمازگر را با خاطر نشان
وی با خاطر نشان تمازگر را با خاطر نشان

تغییر پنهان دنیا پیامور نیز می‌توانستم تمازگر را با خاطر نشان
حالت محالی به حالت ملی تغییر کرده و هر قدر جلوتر رفته باشد از مردم برای کودکان اجرای کنیم: «کمپانی های تمازگر را با خاطر نشان

دیوید سار از ایالات متحده برای حل مشکلات دارند. من در این اقصد راهنمایی پیک
کمپانی نهادشتم و می‌توانستم تمازگر را با خاطر نشان راهنمایی برای
ساز: در یافت مالیات از مردم برای تمازگر را با خاطر نشان

راخواهی داریم. در این شماره بقیه این نشست را می‌خواهیم

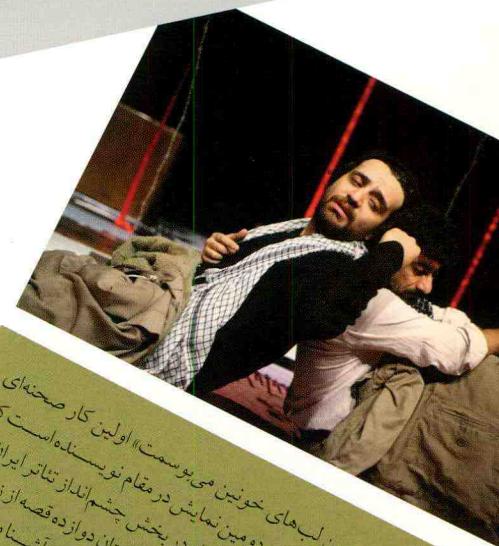


میراث علمی اسلام در سال ۷۷

محمد شیرالی کارگردان نمایش
نقشه سرخط از خرمشهر.

مژگان بنان

هر چند نقص فنی برق، سالان «کوچک مولوی» آتش تب و تاب
و دلهرهای جشنواره‌ای گروه نمایش « نقطه سر خط » را پیشتر
می‌کند، اما همکاری مستولان یخصوص آقای صادقی آرامش را
به گروه بر می‌گرداند و « نقطه سر خط » با اجرای خوب می‌تواند
رضایت کارگران، گروه و تماساپیان را بدست آورد. « نقطه
سر خط » داستان نویسندگان است که پس از سالیان دراز از تبعید
بر می‌گردد و تاخواسته در گیر مشکلات دو همسایه‌می شود که
... محمدشیرالی در مقام کارگردان بانگاهی به جشنواره‌بین‌المللی
تئاتر می‌گوید: « جشنواره به عنوان شناخته شده ترین جشن تئاتری
کشور عرصه‌ای است برای شناخته شدن. خوشبختانه امسال به
نسبت سال‌های گذشته جشنواره در عرصه کشتده‌تری اجرا
می‌شود. بخش‌های مختلف در جشنواره سبب می‌شود که
گروه‌ها مکان مناسبی را برای عرضه تئاتر شان داشته باشند ». این
کارگردان باشاره به تئاتر خرمشهر می‌گوید: « از سال ۸۴ تئاتر
خرمشهر به مقام درجه الف نائل شده است در سال‌های پیش در
بخش خیابانی جشنواره فعال بودیم، اما زمانی که نمایش‌الزیر
بر قرارداد به جشنواره راه یافت، یعنی از همان چهار سال پیش،
نمایش‌های صحنه‌ای خیلی خوب به جشنواره را پیدا کردند که
سبب رشد تئاتر در مرکز خوزستان شد ». کارگردان نمایش‌الزیر
بر قرارداد با گالایه از کمبود امکانات مادی در شهرستان خرمشهر
اضافه کرد: « بودجه‌ای که برای تئاتر در نظر می‌گیرند، خیلی
کمتر از بودجه‌ای است که سال ۸۴ می‌پرداختند. هنوز
کمک هزینه نمایش « نقطه سر خط » پرداخته نشده
است. سال ۸۴ خوزستان بارش خوبی روبه رو
نبود. اما امسال با توجه به گروه‌های تئاتری
و تعداد بچه‌هایی که نمایش کار می‌کنند،
نه تنها بودجه بیشتر نشده است، بلکه
کمتر هم شده است ». « شیرالی
وجودیک سالان قاب عکس
را اعلنت کم کاری گروه‌های
تئاتر خرمشهر می‌داند:
« سه گروه حرفه‌ای
بیشتر در خرمشهر
فعالیت ندارند. تئاتر
های خاص رانمی‌توان اجرا
کرد. تنها نمایش‌های کمی مورد
توجه مردم است. چنانچه بعوهای نمایشی،
نمایش‌چاچ رویه‌رو می‌شوی ». «
مهم موضوع خاصی اجر اکنی نه تنها با کمبود تمثیلگر
بد تماشای روحیه‌رو می‌شوی ». «
در شهرستان‌ها یا
آن در شهرستان‌های
مثلی یک کلاس درس
در دلیلی از یا تجربه تئاتری
مردم ایران قرار گیرند ». «



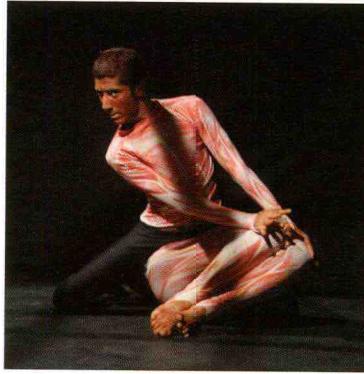
با همین اب های تونین می بوسمت» اولین کار صحنه‌ای در مقام کارگردان و دومنی نمایش در مقام نویسنده است که به نویسنده‌کی می‌لارد اگر بزاید در پیش پنجم انداز ریاتر ایران چشیده باشد ۲۷ حضور دارد نمایش داستان دوازده قصه از زنا دو مرد و دوزن است که توسط طختک باهم آشنا می‌باشند. داستان های انتها زندگی به قتل سرگردشت این داده کارگردان این نمایش با شماره به ارزش این داشت. حشواره به خودی خود، به ارزش این داشت. این دست ترقی و ارزش را

جهشواره گفت: جسوس
از شزمانی می‌تواند موجب
که بتواند موجبات تعامل و هم‌فکر را
وجود آورد اگر زیاد با اشاره به وضعیت
ناسف کرد و گفت: «امتناعه ما در شیرا
زمانیه، و از این بدتر این که این وضعیت
فرهنگی هندی و جماعت هندی ش
برای اجرای یک نمایش در قلمون
است، نهانه سالان حرفه‌ای ش
شهر قرار دارد، که بسیار
علت قطع گاز، در بات
به خاطر سرمهانی
هر گز اقدامی برای
کنایه تماسا
ساخت تئاتر
ارائه کرد
تماشا
به ته
نه

٢٧

سُلَيْمَان

نمایش «عجب ولی واقعی» به کارگردانی یاسر خاسب در بخش «تجربه‌های نو» به اجرا رفت و با استقبال خوب تماشاچیان بخصوص مخاطبین خارجی رویه رو شد. خاسب درخصوص داستان نمایش می‌گوید: نمایش داستان نمایش می‌گوید: نمایش داستان تقابل دو پدیده است که پدیده‌ها می‌توانند هر چیزی باشد. پدیده‌هایی که به دنبال کاستی‌های وجودشان در نیمه گمشده شان هستند. پدیده‌هایی که کمال را مقابله با مشکل می‌دانند و هر کدام در دیگری خود را می‌طلبند. این کارگردان که جشنواره رامکان مناسیبی برای بروز استعدادهای جدیدی می‌داند اضافه می‌کند: «بخش «تجربه‌های نو» در سال‌های گذشته نبود و امسال برای اولین بار برگزار شد. جشنواره در یه‌های است باز برای جوانانی مثل ماکه در حال بادگیری هستیم. جایی است که می‌توان بایک ایده جدید آمد و از اجراهای تکراری جلوگیری کرد. جوانان می‌توانند خلاقیت و جسارت خودشان را بی‌هیچ دغدغه‌ای در جشنواره به نمایش بگذارند.» خاسب که تجسمش از شرکت در بخش بین‌الملل و رقابتی، تنها حضور بزرگان و حرفه‌ای‌های تئاتر است می‌گوید: «برای جوانانی چون ما، بخش تجربه‌های نو، بهترین گرینه است. نمایش «عجب ولی واقعی» به تکنیک «مایم و حرکت» استوار است، نمایشی که به دنبال برقراری ارتباط با زبان بدن، نور و موسیقی است، کمتر از دیالوگ بهره برده و تنها با حرکت با تماشاچی ارتباط برقرار می‌کند. این کارگردان نوآندیش جشنواره تئاتر فجر را پیشین و آبروی تئاتر ایران می‌داند و می‌گوید: «بزرگترین جشن تئاتر کشور، جشنواره فجر است به هر طریق بایداز آن دفاع کردو در بهتر برگزار شدن آن مسئولان را باری کرد.» یاسر خاسب یک هنرمند از روزتای «میانکاله» است. او بیش از این در تعزیه و تئاترهای سنتی که توسط پدر و عموهایش اجرامی شد بازی کرده و از رشته ورزشی «وشو و زیمناسیک» در اجرای نمایش بسیار بهره گرفته است: «زندگی ماشیتی، انسان را از طبیعت دور کرده است. بیشتر نمایش‌های سنتی روزتای مادر طبیعت و دشت برگزار می‌شود. من به دنبال برقراری ارتباط بین آسمان و زمین توسط بدن انسان هستم. از بدن به عنوان یک جسم خام مثل یک خمیر استفاده کردم. دوست داشتم در گیری انسان باطیعت رانشان دهم.» کارگردان نمایش «عجب ولی واقعی» که در نمایش «ملاتنصر الدین» به کارگردانی «علی اصغر دشتی» بازی مازد می‌گوید: ماجراهی نمایش «عجب ولی واقعی» در جشنواره تنها ۲۰ درصد کار بود و نمایش برای اجرای عموم بسیار تغییر خواهد کرد. در حاشیه - در ساعات آخر باخبر شدیم گروه نمایشی هلندا و هنرمندان امریکایی در جلسه خصوصی با کارگردان نمایش دیدار داشته و به بحث و گفت و گو نشستند.



تجربه‌های نو

کارگردان نمایش عجب ولی واقعی:

جشنواره‌ای قابل دفاع

تئاتر برای کاوه مهدوی نوعی کشف و شهود است. مهدوی در تئاتر کنجه‌کاری می‌کند و دوست دارد در جریان تئاتر حرفه‌ای کشور نقش داشته باشد. مهدوی در این باره می‌گوید: «تئاتر راهی است که وقتی من به آن پاگذاشتمن احساس کردم بیشتر با مقوله انسان سر و کار دارد. تئاتر درونی است و راهی است که هر کس دوست دارد جلوتر برود و بینند جلوتر چه اتفاقی قرار است بیفتند. تئاتر در تمام دنیا از دوره‌ای به دوره دیگر می‌رسد و تکامل می‌یابد. دغدغه هنری من این است که در این تکامل سهیم باشم، مهدوی بر مضامین خاصی تکه نمی‌کند و هر آنچه اورا به دست خود جلب کند می‌تواند دستمایه‌ای برای این نویسنده و کارگردان باشد تا از آن نمایشی بسازد. کارگردان «غواص ناخدا نیست» از مضامین خاص با فرم‌های اجرایی خاص حذر می‌کند و تلاش دارد آنچه در تکنیک تئاتر غرب بر جسته است را با مسائل شرق مثل عرفان بیامیزد. مهدوی در «غواص ناخدا نیست» به مقوله ترس پرداخته است. او درباره نمایش می‌گوید: «غواص ناخدا نیست» یک تئاتر دفاع مقدس است. اما من دوست ندارم در نمایش صرف بر درام یکیه کنم. فکر کردم اگر کار خیابانی را بر اساس فرم اجراینیم نمایش بخوبی جواب می‌دهد. در این کار خیلی به درام نپرداختم و تم کرم را بیشتر بر فرم اجرایی و تصویر گذاشتمن. وی ادامه می‌دهد: «در این نمایش به دنبال مسئله ترس بودم. ممکن است کسی هنگام یک عملیات جنگی لحظه‌ای بترسد. او باید بر ترس غلبه کند. فاصله کمی میان ترس و شهامت درون هر انسان وجود دارد، فاصله‌ای که چند لحظه بیشتر نیست و باید طی شود. من برای اجرای این نمایش از چند فرم شناخته شده نمایشی در دنیا استفاده کردم.» غواص ناخدا نیست داستان دو غواص است که لحظه مهمی از عملیات را در دوران جنگ تحملی تجربه می‌کنند و ناگهان با ترسی غریب مواجه می‌شوند. دریا با آنها شروع به سخن گفتن می‌کند و... کاوه مهدوی در نمایش به سلیقه عوام احترام می‌گذارد اما از طرف دیگر سطح فکری اش را با همه اشاره جامعه منطبق نمی‌کند. او تلاش دارد آنچه را در ذهنش شکل گرفته به گونه‌ای اجرا کند که مردم آن را پذیرند. این کارگردان سال‌های گذشته دو تئاتر خیابانی را به جشنواره تئاتر فجر اورده است. به نظر کاوه مهدوی جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر بهترین جشنواره نمایشی است که در کشور برگزار می‌شود. مردم این جشنواره را پذیرفته‌اند و از آن به خوبی استقبال می‌کنند. در نتیجه این جشنواره کار خودش را به خوبی انجام داده و باید به سطوح بالاتری برسد.



کاوه مهدوی

نویسنده و کارگردان غواص ناخدا نیست:

جشنواره کار خودش را خوب انجام می‌دهد



حسین سرپرست کارگردان

نمایش «شب تلخ یلدا»

جایی برای تعامل

در پخش موضوعی جشنواره فجر ۲۷ نمایش‌هایی با موضوعات انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، عاشوراًی و ادبیات کهن شرکت کرده‌اند.

«شب تلخ یلدا» جزو طرح‌های پذیرفته شده توسط اساتید «جهار فصل» تئاتر بود تا «حسین سرپرست» با تبدیل آن به یک نمایش تواند برای سفارش تئاتر و اجرای عموم در شهرستان‌ها آماده شود. ماحصل کار، اجرای نمایش در جشنواره بیست و هفتم بود. «حسین سرپرست» کارگردان نمایش در خصوص داستان نمایش می‌گوید: «شب تلخ یلدا» داستان زنی است که با وجود شکنجه دختر هفت ساله‌اش توسط سواکین حاضر به اعتراف نیست. حال پس از ۲۰ سال دوری، مادر و دختر به هم می‌رسند.

سرپرست که حضور در جشنواره را بسیار مؤثر برای گروه‌های تئاتری می‌داند می‌گوید: «من فی النفسه معتقدم جشنواره می‌تواند بستری ایجاد کنده‌ای تعامل بین هنرمندان، فرصنی فراهم می‌کند تا نمایش‌ها را به شوند و به واسطه حضور همین جشنواره، هنرمندان می‌توانند کارهای خارجی را بهتر بینند».

وی در ادامه می‌گوید: «جشنواره تئاتر فجر نقطه غایی تمام تئاتر هاست و چنانچه در گیر مسائل حاشیه‌ای شود بسیار می‌تواند کارگشا باشد».

کارگردان این نمایش در خصوص وضعیت تئاتر در رشت می‌گوید: گیلان سرشار از استعدادهای بالقوه است. اما سیاست مستولان تئاتر در این استان اولویت برای تئاتر قائل نمی‌شود».

تئاتر به عنوان یک محصول فرهنگی و نیاز مردم در نظر گرفته نمی‌شود در رشت تنها با ۲۰۰ هزار تومان یک نمایش با ۱۲ شخصیت یکماه تمرین می‌کند تا تنها پنج شب اجرا کند. پنج شبی که به جر خانواده تئاتر، تماشاجی عام ندارد. وی اضافه می‌کند: «البته این مشکلات شامل مقوله تئاتر طنز نمی‌شود. نمایش‌های طنز باطری‌داران بسیاری روبه رو هستند. نمایش‌ها پس از ماه‌ها اجرا و فروش خوب، حتی به شکل CD درآمده و در بازار توزیع می‌شود».



سلمان فارسی صالح‌زهی کارگردان

نمایش «مرو مروی در پاسی از شب»

سال‌های دور از تئاتر

پس از اجرای نمایش «آب، باد، خاک» در جشنواره سال ۶۶ سلمان فارسی دیگر تئاتر کار نمی‌کند. بزرگترین علت نه مشکلات شخصی، بلکه مشکلات تئاتر بیمار زاهدان است. اما در جشنواره فجر ۲۷ همین کارگردان پس از بیست و سه سال با نمایش «مرو مروی در پاسی از شب» در بخش موضوعی جشنواره فجر ۲۷ شرکت می‌کند.

« صالح‌زهی» علت این حضور را اینگونه بیان می‌کند: «ناگهان تلنگری به روح زده شد. دوست داشتم پس از سال‌ها دوری تجدید دیداری با جامعه تئاتری که سال‌ها از آن دور بودم کنم. پس از سال‌ها تحمل

دوری، خاطره‌ها دوباره
برایم فضایی ایجاد

کرد که بتوان نمایشی
تمرین کنم.» او از

داستان نمایش می‌گوید:
«نمایش افسانه‌ای است

کهنه از حکایت دو
دلداده بلوچ. «شهداد»

و «مهناز» قهرمان قصه،
در برایر تمامی سختی‌ها

و مصائب می‌ایستند و
در آغاز و صالب به دلیل

عشق به شهرشان تصمیم

می‌گیرند از هم جدا شده تا بتوانند به مبارزه با دشمنان پردازنند. گروه نمایش «مرو مروی در پاسی از شب» با بیست و یک بازیگر در جشنواره

حضور دارند. کارگردان این نمایش در پاسخ به این سؤال که وضعیت تئاتر در گذر این ۲۳ سال در زاهدان چگونه بوده است می‌گوید: «در منطقه زاهدان در طول این ۲۳ سال وضعیت بسیار بدتر از گذشته است. مستولان

سنخیتی با مقوله نمایش ندارند. برای آنان هیچ فرقی بین تئاتر حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای وجود ندارد. اما خوشبختانه به حمامیتی که آقای پارسایی

رئیس مرکز هنرهای نمایشی از گروه‌های شهرستانی داشته‌اند و حمایت مالی و معنوی آنان، نقطه آغازی برای تعالی و رشد تئاتر زاهدان خواهد

بود.» « صالح‌زهی» هر چند ۲۳ سال در هیچ کدام از بخش‌های جشنواره

بین المللی تئاتر فجر حضور نداشته، اما هر ساله روند جشنواره را زیر نظر داشته است. خوشبختانه در طول این سالیان، جشنواره روند رو به

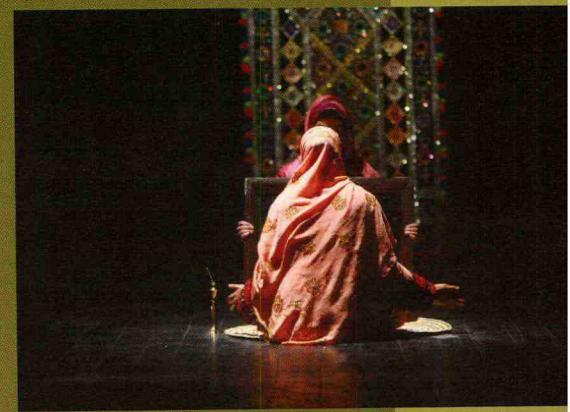
رشیدی داشته است. وجود یک‌شنبه‌ای مختلف در حضور گروه‌های مختلف بخصوص بیش از سی گروه شهرستانی، خود گویای این پیشرفت است.

وی در ادامه می‌گوید: «خوشبختانه مردم در زاهدان بسیار علاقه‌مند به تئاترند. غیر از مستولان ارشاد، نهادهای دیگری چون شهرداری، شورای

شهر و بجهه‌های تئاتری، بسیار برای تئاتر دل می‌سوزانند. چنانچه نمایش

خوبی در زاهدان صد شب هم اجرا شود، تماشاجی از آن استقبال خواهد

کرد. امام‌آنسفانه شرایط برای خوب‌هرگز فراهم نمی‌شود. در پایان شایان ذکر است، نمایش «آب، باد، خاک» عنوان بهترین نمایش جشنواره تئاتر سال ۶۶ را نصیب خود کرد.



نگاهی به نمایش رستم و سهراب به کار گردانی سلطان عثمانف غلبه بر قلب تماشاگر

رامین فناieran

با شروع نمایش تماشاگر متوجه می شود که با یک نمایش کاملاً ایرانی مواجه است. سلطان عثمانف کار گردان تاجیکی، با استفاده از بیانات زیبایی شاهنامه فردوسی به عنوان متن قصه، نمایشی ساخته و پرداخته که برایه اصول نمایش های آئینی و سنتی ایران استوار شده است و تقریباً همه مؤلفه های آن را زیر عایقیت می کند. کار گردان نمایش، به شیوه تعزیه، از صحنه ای دایره وار استفاده کرده که بازیگران همگی دور آن حضور دارند. ورود و خروجی از صحنه صورت نمی گیرد و بازیگران هر یک به نوبت به داخل دایره (صحنه) می آیند و نقش خود را یافته اند و سپس به خارج از دایره می روندو در جای خود قرار می کرند. فردوسی نیز، خود در نقش راوی، بخش آغازین و پایانی نمایش را بازی می کنند و در واقع داستان رستم و سهراب افای فرزندش خلق و روایت می کند. وجود راوی - نقش از اصولی ترین قواعد نمایش ایرانی است که نمونه زیبای آن را در تعزیه شاهد هستیم و این همان شیوه و متدی است که «برشت» نام فاصله گذاری بر آن می نهد. این متد به مخاطب یادآور می شود که با یک نمایش و قصه رویه روست نه خود واقعیت که در این نمایش توسط کار گردان (با حضور راوی) مورد تأکید قرار می گیرد و این که نه برگزیرین ترازوی اسطوره ای ایرانی بر صحنه نقش می بندد. رستم و سهراب عنمانف به لحاظ بصیری و فضاسازی بسیار موفق است؛ زیرا از طراحی صحنه و لباس به صورت بومی و پر اساس فولکلور مشترک می ایران و تاجیکستان بپهرين وجه استفاده کرده است و اصولاً بومی بودن نمایش نمایان است. همچنین نمایش بشدت نمادگر است؛ چرخ بزرگی که بر سقف صحنه، درست بر روی دایره میانی نصب شده، به همراه دو طناب رویه پایین نمادی از آسمان و زمین و ارتباطی که شاعرین این دو قرار کرده است محسوب می شوند. گذر زمان در مواردی که لازم است به زیبایی با کشیدن طناب توسط راوی و چرخ این چرخ برگ به ساده ترین شکل نشان داده می شود؛ شمع هایی به عنوان نماد آتشکده های مقدس (طبق آینین زرتشتی) در صحنه وجود دارند؛ دو پروردگر نور سبز و قرمز در دو طرف صحنه به حالت مایل از زمین به آسمان در حال تایید هستند که می توانند به عنوان نماد پاکی و پلایادی و جمال و در گیری همیشگی میان این دو در نظر گرفته شوند و همه این موارد فضای اثر را دلنشیز و حقیقی و بکر جلوه می دهند. بر این همه باید افود و آواهای موسیقایی که در هنگام روای اشعار فردوسی توسط راوی با نغمه تار و سازهای ضربی و کوبه ای همراه می شوند و تماشاگر ایرانی را با ذهنیت عمیقی که نسبت به شاهنامه داشته باشند دارد به قابل اسطوره های دیات می کند. اما نکته اصلی توفیق اجراء جذابیت آن برای مخاطب ایرانی را باید در بازی بازیگران حست و جو کرد. باید اذعان داشت که بازیگران این نمایش بسیار مسلط و لبته «حسی» پایزی می کنند. آنان کاملاً در انتقال حس خود به تماشاگر موفق آنند. جاری شدن اشعار فردوسی از زبان آنان به لهجه تاجیکی بر اصالت و اسطوره ای بودن اثر می افزاید و خود بخود تماشاگر را در کمتر می کند. او خود را در بطن میدانی از هجوم اسطوره می بیند که علی رغم این که با آن کاملاً آشناست، این بار اسطوره به گونه ای آشنازی زدایانه، زرف تر و عمیق تر باوی به سخن درآمده است. او اسطوره ایرانی را در حال و هوایی دیگر و از زمانی دیگر می شنود، اسطوره ای که از هزاران که می شنوی - هنوز - نامکر است.



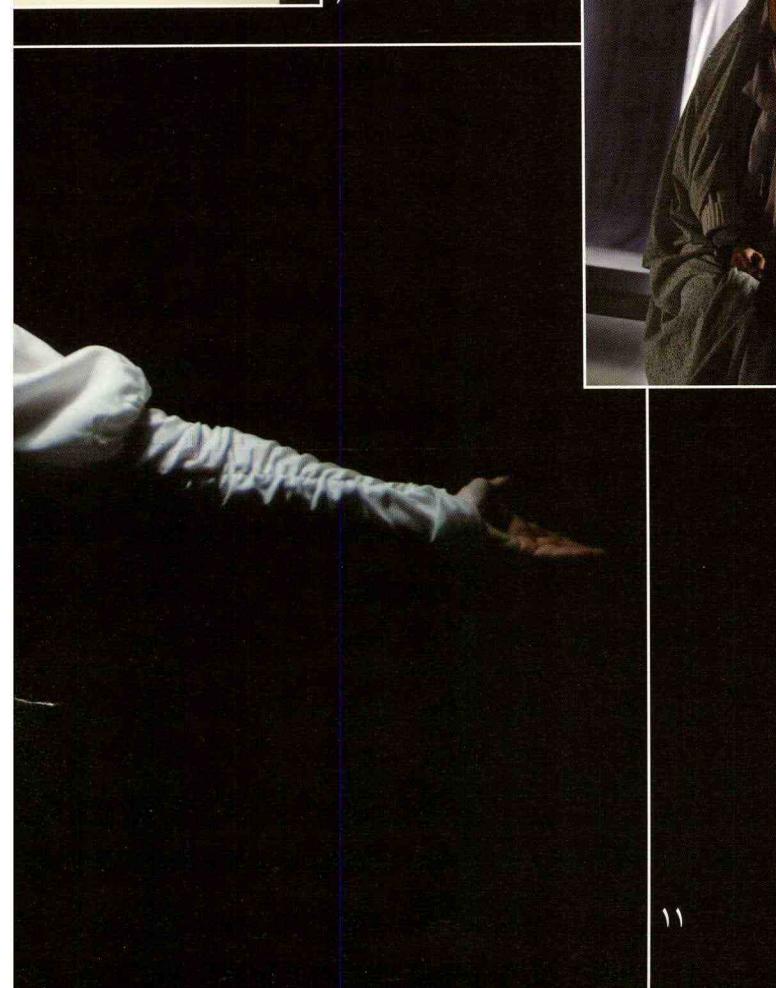
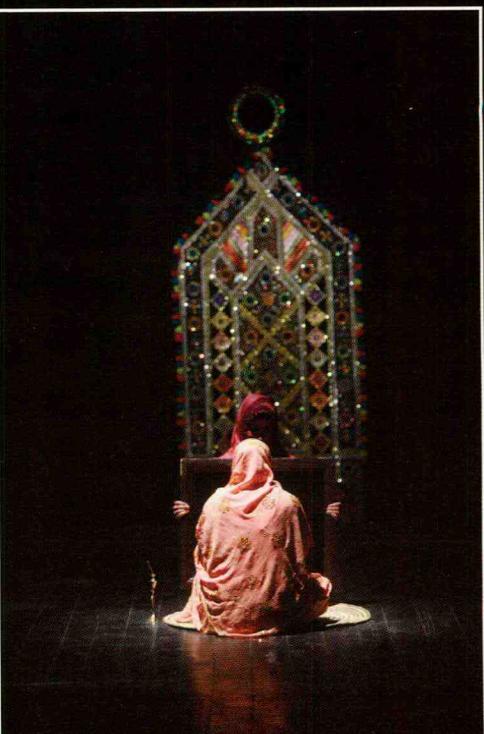
حسین ابراهیمی

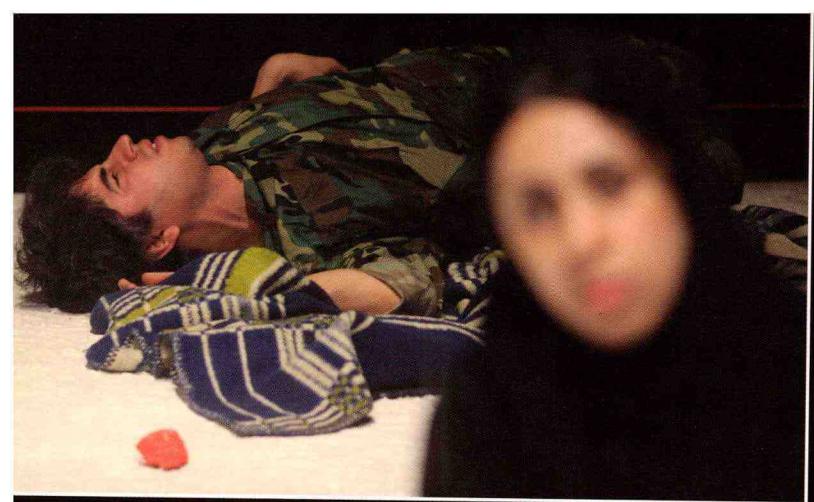
کار گردان نمایش «حجله در آتش»

جشنواره فاصله هارا از بین می برد

«حجله در آتش» داستانی برگرفته از عادات ها، آئین ها و ادبیات عامیانه مردم جنوب خراسان است. «حسین ابراهیمی» کار گردان نمایش در خصوص این کار می گوید: «در این نمایش دغدغه های درونی یک انسان با تمایلات فسانی اش در یک پوشش محلی و بومی به تصویر کشیده می شود». اوی که تجربه سوم حضور در جشنواره فجر را پشت سر می گذراند، می گوید: «تئاتر شهرستانها به میزان دوری شان از مرکز به همان اندازه از امکانات مالی و معنوی محروم هستند. حضور در جشنواره می تواند این فاصله را از بین ببرد. از نزدیک دیدن تئاتر های خارجی و تئاتر های شهرستان های دیگر و تئاتر شهران برای گروه های تئاتری بسیار مفید است.» به گفته این کار گردان نمایش در خراسان در وضعیت طلایی تئاتر مشهد و خراسان رضوی به سر می برد. اوی در خصوص وضعیت تئاتر فردوس می گوید: «فردوس» جزو خراسان جنوبی است و ماتازمانی که جزو خراسان بزرگ بودیم تجربه های حضور در جشنواره های مختلف بخصوص جشنواره تئاتر کودک را بسیار داشتیم. جزو اتفاق های خوب این چند سال افتتاح دانشگاه آزاد هتر در فردوس است که بسیار به رشد تئاتر در فردوس کمک کرد.» اوی در پایان اضافه می کند: «امیدوارم بتوانیم اجرای خوبی در جشنواره داشته باشیم زیرا استان های محروم نیاز به معرفی دارند و جشنواره بسیار می تواند به ما شهرستانی ها در شناخته شدن کمک کند.»





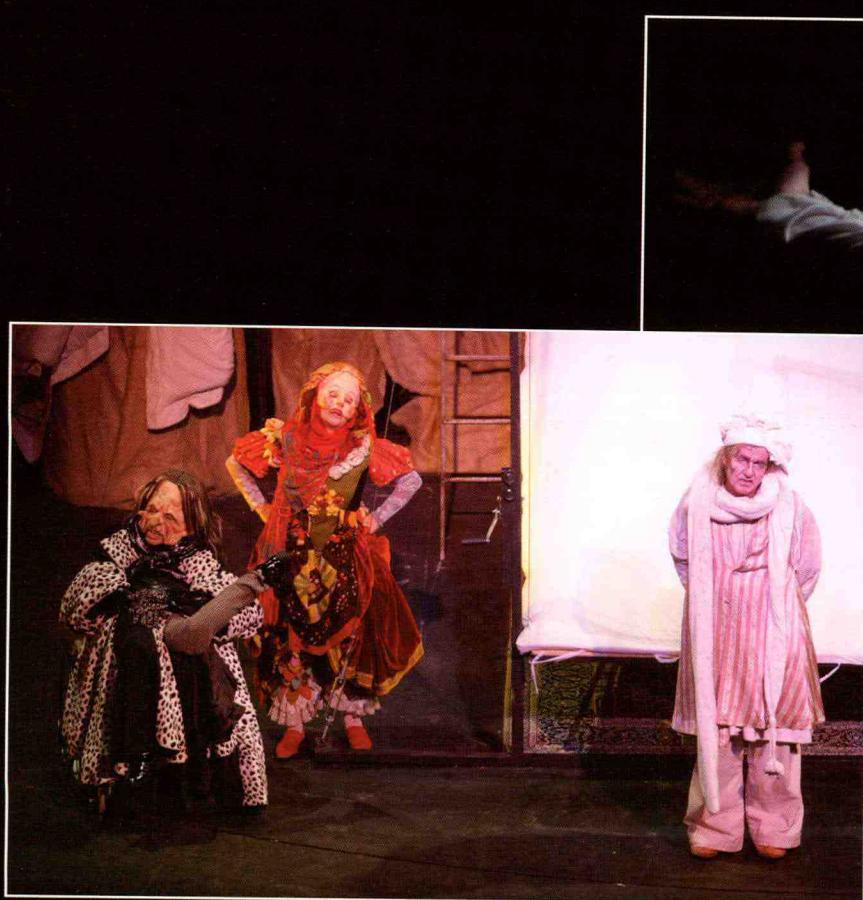


۴

- ۱- مرو مرویی در پاسی از شب- سلمان فارسی صالح زهی
- ۲- دن کیشوت- بیژی زون
- ۳- تله موش پرنیس- عبدالله بر جسته
- ۴- خرگوش سفید با چشم های قرمز- امیر حسین نوروزی
- ۵- رستم و سهراب- سلمان عثمانوف
- ۶- لطفاً با مرگ من موافقت کنید- الهام خداوردی
- ۷- با همین لبها خونین می بوسنم- میلاد اکبر نژاد- لیلا طاهر پسند
- ۸- مادرمانده، ما درمانده- حمید رضا آذرنگ، نیما دهقان
- ۹- مریض خیالی- گی سیمون
- ۱۰- رستم و سهراب- سمیرا سینایی
- ۱۱- قصر- توماس شایگن



۵



۶



۷

سید مهدی شجاعی، نامی آشنا در تئاتر

بهمن عبدالهی

داستان «سانتاماریا» (مجموعه داستان، «شکوای سبز») (۲)، «مردان و روز هایشان»، «زیارت عاشورا»، «غیر قابل چاپ»، «رزیتا خاتون او»، «آینه زار» و... همچنین در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان نیز؛ یمان و گندم، برای همه براهی همیشه، جای پای خون، آندوه برادر، والعادیات، در راه مانده، قصه دو گنج، کاری باید کرد، حکایت آن سر، وقتی او بیاید، کشته نوح، وای تشنگی... رامی توان بر شمرد سید مهدی شجاعی علاوه بر تالیفات فراوان بیش از ۵۰ اثر از زشندر رادر حوزه های مختلف ترجمه و چاپ رسانده که از آن جمله اند: کاری برای مادر، آدم بر فی مهریان، درخت افرا مادلین هستیم، پرواز پنگوئن، بچه شیر تنهانمی ماند، درخت گیلاس، هفت موش کور، و میمونی که مارامی خواست و... ویزگی شجاعی بودن

سید مهدی شجاعی از نویسنده ای است که پس از انقلاب اسلامی شروع به کار در سبک ادبیات جدید کردند و همچون نویسنده های مذهبی، ویزگی هایی دارد که او را از دیگران تمایز می کند. اول این ترنیزی زیبا عاطفی، تغزی و همراه با منولوگ (تک فوتاری درونی) است. در آثار او بیشتر به حماسه هایی از صدر اسلام هشت سال دفاع مقدس و واقعی روز عاشورا و داستان های مریوط به کریلا بر می خوریم. همچنین می توان سری داستان های کوتاهی راز وی مشاهده نمود که مضمون اجتماعی دارند. شجاعی جزو آن دسته از نویسنده هایی است که گرایش معنوی دار دویه عالمی و رای محسوسات و نفسمانی اعتقاد دارد. بازترین خصوصیت سید مهدی شجاعی توجه مدآور و مدامه داری هست. حبو محبت است. به عنوان مثال در کتاب «پدر، عشق و پسر» او از محبت می کوید. اوسعی می کند که زیبایی و یا کی محبت را توصیف کند تا نهند خواندن متن جه محبت و حب معنوی شود. محتی که اصلاً آلو ده به آلو دگی های دنیاپی نشده باشد. مستند بودن نوشه های شجاعی نیاز دیگر خصوصیات نداشت. او به چیز هایی که شنیده توجه نمی کند و اگر مطلبی یا روایتی از نامه و معمومین ذکر کند در پایان سند آزاد کر می کند.

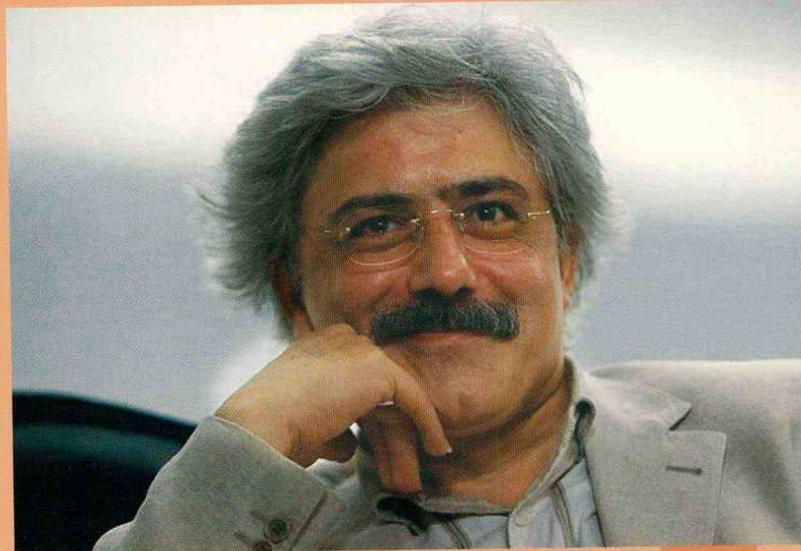
همکاری در سینما

دوستی با هنرمندان تئاتر و همکاری با چهره هایی که بعدها وارد سینما شدند، سید مهدی شجاعی را هم به این سمت سوق داده اند و به نوشتن بیش از هر چیز دیگری علاقه نشان می داد و گرچه یکی، دو تجربه بازیگری در سینما و تئاتر دارد، اما در این بخش بیشتر نویسنده بود بلوک (۱۳۷۰)، قله دنیا (۱۳۷۴)، پدر (۱۳۷۴)، کمین (۱۳۷۵) و کلانتری غیر انتفاعی (۱۳۷۸) از جمله آثار او هستند.

رسول عشق و امید

اجرای سویت سمفونی «رسول عشق و امید» به نویسنده گی سید مهدی شجاعی و رهبری لوریس چکناواریان از آثاری بود که نام شجاعی را در حوزه تئاتر باری دیگر زنده کرد. این کار که ترکیبی از موسیقی، تئاتر، حرکات موژون، نور و تصویر بود، از ۱۹ مرداد ۸۶ تا دو شهریور در تالار وحدت روی صحنه بود. این اثر شامل هشت قطعه بود که با تلاش چکناواریان به ۱۲ قطعه رسید و داستانی چند قسمتی را روایت می کرد. از زندگی مسیح (ع)، آغاز می شد، بالغاش بکی به حلقه بازیگری در بازیگری در دستن بودن می کرد. از زندگی مسیح بود. زندگی امام علی (ع) و دیگر ائمه از بخش های دیگر این اثر بود. شجاعی در نشست مطبوعاتی این سویت سمفونی گفت: «در این سمفونی رمزی در داستان حلقه انسان است که با حضور پیامبر اکرم (ص)، رمز گشایی می شود. امبارا ای احترامه آقای چکناواریان که بانیت زلال این سمفونی را ساختند، شروع کار احضرت مسیح (ع) قرار دادیم؛ یکی از مشکلات این کار نامکاری بود. چرا که در آن از هنر هایی چون نمایش، نور و موسیقی استفاده شده است. اما در نهایت نام آن را سویت سمفونی رسول عشق و امید فاراد ندادند. او در یکی از مصاحبه هایش هم در همین باره گفت: برای نوشتن این سویت سمفونی از هیچ کتابی به شکل مستقیم استفاده نکرد، ولی این کار عصره تمام کتاب های دینی است که تابه حال نوشتم. فراز هایی از مفهوم کلی کتاب هایم در این سمفونی بسط داده شده و به شکل کامل افسرده مفاهیم در این کار متجلی شده است. یکی از اتفاقات مهم در این اثر استفاده از مفاهیم کتاب اسلامی قرآن است که تلاش شده در کار تجسم پیدا کند.

سید مهدی شجاعی برای مخاطب فرهنگ و هنر نام شناخته شده ای است. او نویسنده ای مشهور در این سرزمین است. اما بسیار بیش از آن که به عنوان یک نویسنده موقق دوران انقلاب اسلامی شناخته شود، هنرمند فعالی در حوزه تئاتر بوده است. شجاعی که از رشته ادبیات در امایتیک دانشگاه تهران فارغ التحصیل شده در دوران دانشجویی با هنرمندان حوزه تئاتر آشنا شد. او جزو نخستین افرادی بود که به عنوان اعضای انجمن اسلامی دانشکده هنرهای دراماتیک به فعالیت تئاتر در سال های آغازین انقلاب اسلامی پرداخت. در روزهایی که انقلاب مردمی پیروز شده بود، مراکز فرهنگی و هنری، دانشگاه ها، سینما ها و سالن های تئاتر تعطیل بود. اما تأثیر هنر و بیویژه هنر تئاتر نکته ای نبود که در نظر مسئولان نظام جدید جمهوری اسلامی در نظر گرفته نشود. بنابراین در نخستین ماه های استقرار نظام جدید تئاتر شهر باز گشایی شد و «نهضت حروفیه» به عنوان نخستین اثر تئاتری پس از انقلاب روی صحنه رفت. شجاعی در سال های فعالیت و علاقه مندی به تئاتر نمایشنامه هایی نوشت، از جمله «مجلس گل» او «رسم بر این است» در حوزه آثار دفاع مقدس قرار می گیرد. «سانتاماریا» (۲) هم مجموعه نمایشنامه های شجاعی است که منتشر شده است.



آغاز نوشنی شجاعی

حوالی سال های ۵۸ و ۵۹ یعنی حدود ۲۰ سالگی، اولین آثار شجاعی چه در مطبوعات و چه در قالب کتاب منتشر شدند. حدود هشت سال مسئولیت صفحه های فرهنگی و هنری روزنامه جمهوری اسلامی و سردبیری ماهنامه صیغه را به عنده داشت. سال های متمادی مسئولیت سردبیری مجله رشد جوان را بر عهده داشت و هم زمان در سمت مدیر انتشارات برگ به انتشار حدود ۳۰۰ کتاب از نویسنده کان و هنرمندان و محققان کشور همت گماشت. مسئولیت داوری چند دوره از جشنواره فیلم فجر، جشنواره تئاتر فجر، جشنواره بین المللی فیلم کودک و نوجوان و جشنواره مطبوعات از فعالیت های هنری و فرهنگی او طی سال های ۶۵ تا ۷۵ به شمار می روند. اگر چه رشته تحصیلی اش ادبیات نمایشی بوده و چند نمایشنامه هم به دست چاپ سپرده اما بیشتر بر روی داستان نویسی متمرکز شد. از آثار این نویسنده در حوزه بزرگ سالانه این عنوانی می توان اشاره کرد: «کشمی بهلو گرفته»، «دست دعا، چشم امید»، «بر محمل بال مانکن»، «بیوی سبز پونه ها»، «از دیار حبیب»، «شکوای سبز»، «پدر عشق و پسر»، «امتقین»، «افتاده در حجاب»، «اصمیمان جو اوان وطنم»، «ضیافت»، «پرسیح چشم های تو»، «ادو کبوتر»، دو پنجه، یک دیوار»، «امروز بشریت»، «عشق به افق خورشید»، «نخار و دل»، «رسم بر این است»، «بلوک»، «گزیده ادبیات معاصر» (مجموعه

سی سال، سی چهره

رحمت امینی

نمایش‌هایی برای کودکان

رحمت امینی را بیشتر با نمایش‌هایی که برای کودکان و نوجوانان کار کرده است می‌شناسیم. اگر چه او در دو زمینه به طور جدی کار می‌کند:

- ۱- تئاتر کودک با استفاده از عنصر طنز.
- ۲- تئاتر هایی با شکل‌های نمایش ایرانی مثل تعزیه و سیاه بازی. امینی از دغدغه‌هایی شدن و فراگیر شدن تئاتر کودک و نوجوان می‌گوید: نهاده‌ی شدن و فراگیر شدن تئاتر در جامعه از سینم کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد. پایان نامه دکترای من به این مقوله - تئاتر کودک و نوجوان - اختصاص داشت. تئاتر یک نهاد فرهنگی - هنری است که اگر مایخواهیم همگان آن را بشناسند و با آن ارتباط برقرار کنند باید در نهادهای بنیادین مثل مدرسه آن را فراگیر کنیم و به کودکان بیاموزیم. امینی از سال ۷۰ به نوعی در گیر جشنواره شده است و بارها در جشنواره‌های مختلف به عنوان نویسنده و کارگردان حضور یافته است. از کارهای او در زمینه نمایشنامه «داستان باور نکردنی یک زن» و کارگردانی «تولن و حشت» نام بردنی است. رحمت امینی هم اکنون مدیر گروه تئاتر دانشکده هنر و معماری و دبیر شورای تئاتر دانشگاه‌های کشور است.



مرتضی هواسی

تمرکز زدایی از تئاتر

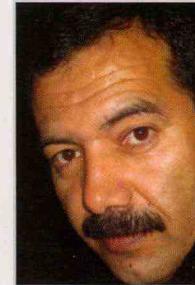
مرتضی هواسی از جمله چهره‌هایی است که قرار است در کنار ۲۹ هنرمند دیگر، به مناسب سی امین سال پیروزی انقلاب در بیست و هفت‌مین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر مورد تقدیر قرار گیرد. هواسی در اکثر زانهای نمایشی به نوعی اندود زده و مضامین مختلفی را دست‌مایه نوشتن نمایشنامه‌هایش قرار داده است. اما به این دلیل که زادگاه و محل زندگی اش غرب کشور می‌باشد و سال‌ها با مسائل و فضای جنگ زندگی کردار ندهد به دفاع مقدس نگاه و پژوهای دارد و بسیاری از نمایش‌هایش رنگ و بوی دفاع مقدس دارد. نمایش‌هایی مثل: «نرگس»، «توای پری»، «دلیل ماریا» از جمله نمایش‌هایی است که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه واقع شده است. نمایشنامه «دلیل ماریا» در سال ۱۳۸۵ کاندید کتاب سال دفاع مقدس شد و این نمایش در بسیاری از شهرهای ایران کار و اجر اگر دید. به اعتقاد هواسی با عدم تمرکز تئاتر در تهران می‌توان تئاتر کشورمان را پیش برد. چرا که متأسفانه تئاتری‌های شهرستان کمتر فضای فرست حرفه‌ای شدن دارند در حالی که استعدادهای درخشانی در شهرستان‌ها هستند. اگر تئاتر از مرکزیت تهران خارج شود کسانی که در شهرستان‌خودشان زحمت می‌کشند می‌توانند نتیجه زحمات شان را بینند و آن گونه که باید و شاید ظاهر شوند.



سید صادق فاضلی

به خاطر خوزستان

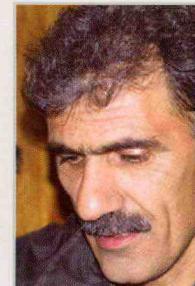
دغدغه اصلی من در تئاتر ارتباط نزدیک با مخاطب است و انتقال مقاومت خاصی که در ذهن دارم. بیشتر اطراف موضوعات بومی و منطقه‌ای خوزستان کارمی کنم این را سید صادق فاضلی، از چهره‌هایی که در بیست و هفت‌مین جشنواره تئاتر فجر، در کنار ۲۹ چهره دیگر، مورد تقدیر قرار خواهد گرفت می‌گوید. وی علاقمند است مسائل عرب‌های خوزستان را مورد توجه قرار دهد. او در همین زمینه ادامه می‌دهد: ساکنان قسمت‌اعظمی از خوزستان را عرب‌های ایرانی اصل تشکیل می‌دهند. این مردم آداب و رسوم خاصی دارند و خوبی هم تعهد به مملکت و سرزمین شان مستند است. آنها آداب و رسومی دارند که متأسفانه خیلی شناخته شده نیست و من تلاش دارم فرهنگ بومی اعراب خوزستان را معرفی کنم. فاضلی در سال ۵۵ با نمایش «سفرخانه» کار تئاتر را شروع می‌کند. واز سال ۵۶ به طور حرفه‌ای و مستمر می‌کار نمایش می‌پردازد. این کارگردان هم‌زمان با چند تجھیل در منطقه‌ای جنگی برای رزم‌دانگان نمایش‌های مفرح و سرگرم کشته‌اجرا کرده است. نمایش‌هایی با محوریت جنگ و فضایی تبلیغی که در آن صدام با استفاده از طنز مورده استهزار ایجاد شده است. سید صادق فاضلی جشنواره تئاتر فجر را معتبر ترین جشنواره تئاتر کشور می‌داند و این که در این جشنواره مورده تقدیر قرار می‌گیرد احساس غروری می‌کند. او تاکنون دو بار با نمایش‌های «لبلو» در سال ۷۹ و «یزرا» سال ۸۱ در جشنواره تئاتر فجر حضور داشته است. از دیگر نمایش‌های این کارگردان می‌توان «خوشبختی در ساعت شش بامداد» و «خدای عشق» را نام برد.



یدالله عباسی

شدن، مسئله این است

(شدن) مسئله اصلی یادالله عباسی در کارهای است او کتابی با نام «نمایش خلاق» نوشته و در آنچه با تفصیل توضیح داده که نمایش جایی برای شدن است. به اعتقاد این نویسنده و کارگردان میل به شدن در درون هر کس به صورت بالقوه هست و باید با فعل شود. شدن اثبات انسان به خودش است. مسئله اول بودن است که به تدریج سمت آفرینش و ساختن پیش می‌رود. عباسی نزدیک به ۴۰ سال است که با تئاتر زندگی می‌کند. تئاتر برای او جای آرامی است. یادالله عباسی نظر مشتی در برگزاری جشنواره دارد به شرط این که در یک جشنواره تئاتر نمایش‌های خوبی اجرا شود تا جشنواره معنایی تمام و کمال داشته باشد. عباسی از چگونگی جدی شدن تئاتر در زندگی اش می‌گوید: او ایل دهه پنجاه کارشناسانی برای آموزش تئاتر به شهرستان هافر ستداد می‌شد. من آن زمان داشتم جو بودم و از طرف همین کارشناسان مورد آموزش قرار گرفتم. این نویسنده‌همواره کتاب‌های تاریخ‌خواهی و توجه و استفاده خود قرار داده و از این جهت یکی از مضمون‌هایی که در نمایش‌هایش به آن پرداخته مقوله قدرت است. آنچه در تمام نمایش‌هایش به دنبال آن بوده‌ام نقد قدرت بوده است. «دوغی عنایی» و «به گلی که فرشته اش می‌باشد» از نمایش‌هایی است که توسط یادالله عباسی به نمایش در آمده است.



پنجمین بزرگ‌ترین فرهنگی های جهان
پنجمین فرهنگی بزرگ‌ترین های جهان
پنجمین فرهنگی بزرگ‌ترین های جهان



تئاتر

گرجستان پس از

فروپاشی اتحاد جماهیر
شوری به یک تئاتر نوگرا
و در عین حال اصلی بدل شد،
هر چند پیش از آن نیز استقلالی
محسوس با سایر جمهوری‌ها
داشت. حضور نمایش «دیوار» در
بخش مسابقه بین الملل بیست و هفتمین
جشنواره بین المللی تئاتر فجر سبب شد تا
تنها چند ساعت پس از حضور این گروه در
کشورمان باعضاً این گروه گفت و گو کنیم.
از آنجا که مدیر گروه به نوعی در نقش سخنگوی
گروه به ایران سفر کرده است، بخش عمده‌ای از
پرسش‌های مادرادکتر لوان ختاگوری استاد دانشگاه
ملی سینما و تئاتر شوتا تفلیس پاسخ داد. مریم بستان بان
متوجه گروه‌های روسی زبان، همچون چند دوره گذشته
در این گفت و گو ما را باری کرد.
آقای ختاگوری، تئاتر گرجستان چه تفاوت‌هایی با تئاتر روسیه
دارد؟

ابتدا باید بگوییم ما چیزی به عنوان تئاتر روسی نداریم و آنچه مد نظر
شمامست، تئاتری است اروپایی که تئاتر گرجستان نیز بخشی از آن به حساب
می‌آید. در واقع تئاتر اروپا همان تئاتری است که ریشه‌هایش از تاتریونان پیشان
می‌آمد. امادر مقوله آموزش تئاتر، روسیه و گرجستان مشترک عمل می‌کنند و
مدرسه‌های مشترکی دارند. امادر اجراء ریتم، اجرایشان کاملاً متفاوت و مستقل
است.

این استقلال از چه چیزهایی نشأت می‌گیرد؟ در واقع چه چیزهایی سبب می‌شود
که تئاتر گرجستان را از تئاتر روسیه متمایز کند؟

در حقیقت تئاتر گرجستان برگرفته از ریشه‌های و سنت ملی و بومی ماست. رقص،
آواز و حرکت مهم ترین عنصر این آثین ها و سنت هاست. باله ملی گرجستان یکی از نمونه
های بارزی است که می‌توان به آن اشاره کرد که روش‌ها و گونه‌های مختلف
تئاتر ملی را می‌توان در آن دید. این ریشه‌های سنتی و ملی است
که تئاتر گرجستان را تحت تأثیر خود قرار داده
است. در ابتدای قرن بیستم،
گرجستان

تئاتر

تئاتر را بر اساس رقص
و آواز و موسیقی در جهان به ثبت رساند. اما در
مقوله آموزش، همانطور که پیشتر گفتیم آموزش بر اساس سیستم و متد های
استانی‌سلاوه‌سکی است و تمامی افراد که در مدرسه‌ها و آموزشگاه‌ها به مدت چهار سال
تئاتر را بر اساس این اصل می‌آموزند و سپس با دریافت مدرکی رسمی مثل دانشگاه
وارد فضای حرفه‌ای می‌شوند.
پس با این اوصاف تئاتر نوگرا، تجربه و حتی آوانگارد در تئاتر گرجستان در روسیه پیش
و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی جایگاهی نداشته است؟
خبر من چنین حرفی نزدم. ما به اساس تئاتر گرجستان شاره کردیم. اما با قطعیت
می‌گوییم که تئاتر گرجستان پیشوپر و تئاتر در قرن گذشته بوده است. حتی در بدترین
شرایط تاریخی و در ۷۰ سال گاردن آهنین شوروی نمایش‌ها و موضوعاتی که در روسیه
و سایر جمهوری‌ها اجازه اجرا و پرداخته شدن نداشتند در گرجستان به اجرا در می‌آمد.
حتی فرمایی‌سیم تئاتر در روسیه بشدت سرکوب می‌شد اما همان شیوه و مقاومت در
گرجستان آزادانه اجرا شد و پس از فروپاشی نیز همینطور بوده است.
نمایش دیوار که در بخش بین المللی جشنواره تئاتر فجر به اجرا در می‌آید نیز متکی به تئاتر
تئاترستی گرجستان است با مخطاب این شیوه اجرا و پس از این گروه امراهه استند؟
این نمایش با استفاده از انگشتان دو دست روی یک میز به اجرا در می‌آید. در واقع
با همان شیوه بوذرگو که در تئاتر عروسکی وجود دارد. نمایش بر اساس فیلم و موسیقی
«دیوار» است و شیوه اجرای آن همانند نگاتیویهای فیلم است که ما فریم - فریم صحنه هارا
می‌بینیم. نمایش اختلاف نسل هارا را می‌کند. مثل همان داستان فیلم دیوار که شاگردان
کوچک پس از تحفظ فشار بودن علیه نظام سلطقه قیام می‌کنند و می‌جنگند. در ادامه داستان
یک ماجراجویی عاشقانه نیز وجود دارد که در انتهایه با واقعه‌ای تراژیک متنه می‌شود.
چند سال است که با این شیوه کارمی کنید و بدعت این کار را چه کسی بنا گذاشت؟
حدود ۱۰ سال پیش کارگردان گروه «بسیک کوپریش ویلی» که خودش بازیگر تئاتر بود
فکر کرد چگونه می‌شود که به جای حرکت و متولی شدن به بدن بازیگر یک تئاتر را اجرا کرد.
در نتیجه دست هزار ابه عنوان عنصر حرکتی انتخاب کرد که می‌توانست کلیت بار در ادایتیکی
یک نمایش را به دوش بشکند. ولی این فرم جدید و نوگرایانه و تحریبی را به عنوان اولین کسی
که با این شیوه کار می‌کرد به ثبت رساند که نمایش را بدون کلام و با توصل به فونوگرام به اجرا
گذاشت. در واقع او به راز پنهان دست ها پی برد و این اتفاق تا به امروز در حال انجام است.
این شیوه را در چه قالب هایی و در چه کشورهایی به اجرا در آورده‌اید؟
قالب خاص و محدودی نمی‌توان برای آن متصور بود. نمایش‌های گوناگونی از بکت،
برشت، شکسپیر و ... را با این شیوه در جشنواره‌ها و کشورهای مختلف به اجرا در آورده‌ایم.
در پیشتر کشورهای اروپایی، مثل فرانسه، انگلستان، لهستان، ایتالیا، ترکیه این شیوه را به اجرا
گذاشته‌ایم و هر ساله در انگلستان یک ورک شاپ نیز در تابستان برگزار می‌کیم.

مسابقه بین الملل

گفت و گو با مارتن بادری
در باره نمایش مریض خیالی

تئاتر ماسیرو ک نیست

مهدي عزيزى

نمایش مریض خیالی شهر مولیر بازار خوانی و تنظیم برای صحنه توسط گای سیمون فرانسوی در تالار اصلی تئاتر شهر دریخش مسابقه بین المللی تئاتر فجر به روی صحنه رفته است. گای سیمون که بیشتر اوقات از مصاحبه رفتن طفره می‌رود پاسخ سوالات را به عهده مارتین بادری بازیگر این نمایش محول کرد. ساناز فلاخ فرد رحمت ترجمه این گفت و گو را به عهده داشت که از او تشکر می‌کنیم.

برای اجرای یک نمایش از میان آثار مولیر به خاطر طولانی بودن اثر طبعاً باید به جرج و تعدیل های بی شمار دست زد. برای اجرای این نمایش تاچه اندازه می‌باشد این تغییرات اعمال می‌شده؟

ما چجزی را کم نکردیم و یا تغییرات فاحشی در متن ایجاد نکردیم. وقتی شما یک متن از مولیر را پشت سر هم می‌خواهید باید چجزی بیشتر از یک ساعت و اندی طول بکشد. امام‌همترين دليل که باعث می‌شود اجراهای آثار مولیر طولانی شود اجرای آن در کاخ الیزه و یا قصرها همراه با رقص و اجراهای عظیم بود که سبب می‌شد مدت اجرای نمایش طولانی شود. در حالی که ما در این نمایش تنها در یک صحنه و یک دقیقه به این صحنه‌ها اشاره کردیم، در نهایت به دليل پاییندی مان، به هیچ وجه در متن مولیر جرج و تعدیلی صورت ندادیم. در حالی که به دلیل فاصله گرفتن از اشاره‌گذاری رقص‌ها را حذف کردیم.

ارتباط مخاطب با اثر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بیینید، این کار یک نمایش در واقع کلاسیک - مدرن است پا ترکیبی از این دو که درک آن برای تماشاگر قدری دشوار است. تلاش ما این بوده که این تعامل را به نحو احسن به نمایش بگذاریم. مواجهه با مخاطب ایرانی قدری عجیب است. ما ابتدا نمی‌دانستیم مخاطب با نمایش ارتباط برقرار کرده است یا نه. اما هر چه پیش رفته تماشاگر بیشتر باما همراه شد. در واقع نگاه مخاطب نمایش ما در ایران همانند کودکی عمل کرد که چیزی از حرف‌های ما سر در نمی‌آورد، اما انسانهای نمایش می‌توانند ارتباط برقرار کنند.

در جهان امروز که هزاران هزار اتفاق ریز و درشت در گوش انسان در حال وقوع است تاچه اندازه نمایش شما توائسته است، بر مخاطب اثر بگذارد؟ ما استفاده از رقص و حرکت و موسیقی نمی‌خواستیم کارناوال یا سیرک راه پیذایش و به هر وسیله‌ای مخاطبان را با خودمان همراه کنیم. می‌خواهیم برایتان یک مثال بزنم. نمایش دکتر، کنک در باره علم پژوهشی است. نمایش ما بگذارید یک سؤال هم در حاشیه جشنواره بپرسیم: پس از انتخاب نیکلاس کارکوزی به عنوان ریاست جمهوری فرانسه تئاتر دچار چه تغییرات عمده‌ای شده است؟ سارکوزی ظاهرًا حتی برای حفظ ظاهر فرهنگ دوست است. اما تئاتر ریتمی تندتر بر نهاد مخاطب اثر می‌گذارد.

علت استفاده از ماسک در نمایش به نوعی در راستای این اثر بخشی است؟ بله، مازا ماسک استفاده کردیم تا تأثیرات گونه کرنی بر مخاطب را بستنجیم. در واقع ماسک یک حد فاصل است بر شخصیت‌های اصلی و فرعی. شخصیت‌هایی که ماسک دارند در راستای اثر بخشی دراماتیک خشی هستند و شخصیت‌هایی که ماسک ندارند به نوعی در راستای عمیق تر شدن و عمق بخشیدن به شخصیت و تأثیر در پیشبرد داستان عمل می‌کنند. نمایش شما تاچه اندازه توائسته است، جریان پیشبرد اهداف اساسی و

اجتماعی را بر عهده بگیرد و مسائل اجتماعی را به چالش بکشد؟

بی شک فرهنگ یک لذت عمومی است و به یک فرهنگ غنی تبدیل شده است. این موضوع را در کشور ماتیز می‌توانید به وضوح مشاهده کنید. فرانسه مهد اندیشه، فرهنگ و هنر است و این جهانی شدن آن در راستای همین غنی شدن ریشه‌ها است. اما خشک و زیر بر خورد کردن نمی‌تواند دلیل بر غنی بودن و اثر بخشی یک اثر باشد. از طرفی مولیر هم در همین جهت یک نمایش‌نامه فرج را نوشته و ما آن را اجرا کرده‌ایم. همین نمایش است که با عنای فرهنگی پیامی را صادر می‌کند و زمان و مکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بگذارید یک سؤال هم در حاشیه جشنواره بپرسیم: پس از انتخاب نیکلاس کارکوزی به عنوان ریاست جمهوری فرانسه تئاتر دچار چه تغییرات عمده‌ای شده است؟

سارکوزی ظاهرًا حتی برای حفظ ظاهر فرهنگ دوست است. اما تئاتر می‌مالیستی را نمی‌پسندد. پس از این انتخاب، سالانهای تئاتر پر نمی‌شود و نمایش‌های بدبندی‌های گوناگون دچار شده است. تئاتر یا سرگرم کننده‌اند و یا اگر نیاشند جایی جز کافه‌ها و خیابان ندارند. و یک مافیایی عظیم هم راه افتاده که شبکه‌ای را بیجاد کرده است و تئاتر را به دو دسته روشنگر و مفرح تقسیم کرده‌اند. تأثیرات این مافیا از میان برداشتن تئاتر خصوصی است و گروههایی همانند مارادر دستور کارش قرار داده است و اگر تورهای بین المللی و اجراهای شخصی نباشد، تئاتر در مهد هنر و فرهنگ رو به افول خواهد گذاشت.



مسابقه بین الملل

نگاهی به نمایش «قصر»

نوشته توomas شوایگن و مارسل لو لسینگر
کارگردان توomas شوایگن

خواب در قصر تاریک

مهندی نصیری

همه آنچه به عنوان مهندسی اجرا در صحنه آن می‌توان یافت به جعبه‌ای تاریک و دور و صدای گفتارهای مداوم و طولانی تبدیل شده که بویژه تماشاگر ایرانی را در حوزه ارتباط با خود بامشکل مواجه می‌کند. شوایگن، صحنه نمایش اش را به طور دقیق با منطق اجرایی و ساختار کاملاً منظم تقسیم‌بندی کرده است. وجود نورها و منابع روشنایی در بخش‌های مشخص و تعین شده صحنه علاوه بر این که پلان اجرایی نمایش را برآشن و خاموش شدن در برابر تماشاگر قاب می‌کند ابزار میزانس و کیفیت دهنده منظور و مفهوم دیداری نیز هستند. نمایش «قصر» از این منظر و استنگی بسیار زیادی به مهندسی اجزای روایت و نظام ساختار جزئیات روایی دارد. همین ویژگی از تأثیرگذاری نقش بسیاری از عوامل و از جمله بازیگری کاسته و بخش نقش و اهمیت بازیگری (به عنوان یک نمونه) را به عناصر ساختاری تراجمرا و اگذار کرده است. این ویژگی کارکرد و مشخصه دیگری است که معمولاً چندان به مذاق تماشاگر ایرانی و ذهن مفهوم گرا و محظوظ است و البته چشم‌های کنجکاو او خوش نمی‌آید. «قصر»، نمایش متفاوت و خاصی است که تجربه آن در تئاتر ایران البته، با اشکال و انواع دیگر تکرار شده است.

تئاتر آلمان با تمام حسابگری و دقت سخت افزاری اش به مؤلفه‌ها و ایزراهای نمایشی نظم می‌دهد و این دستمایه‌های سخت افزاری را در خدمت منطق و سیستم ارتباط عوامل اجرایی می‌گذارد. نمایش «قصر» به کارگردانی توomas شوایگن نیز با چنین روشکردی یک اقتباس ساخت افزاری از ادبیات به نظر می‌آید. داستان این نمایش برداشتی آزاد از رمان «قصر» کافکاست. روایتگر حضور یک معمار میهمان به نام «ک» به یک روستاست. این معمار برای مرمت قصر بزرگ روستا که متعلق به حکمرانان روستاست به آنجا آمده و در میهمانخانه‌ای ساکن شده اما کارهایش آنگونه که می‌خواهد پیش نمی‌روند. نخستین مستنله‌ای که در مورد نمایش «شوایگن» می‌تواند مورد توجه قرارداد و چه اقتباسی آن از ادبیات داستانی و رمان است: «شوایگن» نمایش‌نامه‌اش را براساس رمان فرانس کافکا نوشته و به وضوح می‌توان فضای ذهنی آثار کافکا و غلبه روایت کلامی در ساختار اجرایی را به واسطه این تعلق به ادبیات در نمایش اش مورد جستجو قرارداد. نمایش با کلام آغاز می‌شود تمام رویدادها و مضامین را به طور کاملاً وابسته به گفتار نمایشی ادامه می‌دهد و پی می‌گیرد. شاید همین دلیل هم هست که دنبال کردن روایت گفتاری و گفت و گوها نیک گویی هادر مورد این نمایش بیشتر از عناصر دیداری مورد توجه قرار می‌گیرند و بالطبع آن تماشاگر ایرانی و ناشنای زبان، لذت کمتری از فرایند حرکت تئاتری و عناصر دیداری نمایش می‌برد. در مورد غلبه مشهود عناصر ادبی در نمایش، همین عنصر پررنگ کلام رامی توان مورد استناد قرارداد. اماده حوزه برآیند شیاهت فضایه آثار کافکا و در محدوده‌ای تنگ تر در مورد «قصر» می‌توان به فضای شبه اکسپرسیونیستی نمایش، بویژه در مورد استفاده از نور و محدود کردن آن در شکل و جهت بخشیدن. به تأثیر ذهنی چهره و شمایل بازیگر اشاره کرد. شوایگن، نور را به مهم‌ترین عامل ریتم اجرایی تبدیل کرده و استفاده از تاریکی صحنه، نقش روشنایی را علاوه بر میزانس به وجه نمایشی و دیداری روایت در اجراء رتقا داده است. اما یک نکته مهم در این زمینه اینکه یک تئاتر با چنین پرداخت اجرایی و چنین رویکرد تکنیکی آیا می‌بایست در تالار بزرگ و حدت اجرایشود؟ آیا بهتر نبود که «قصر» با این شیوه تکیک اجرایی در سالنی به روی صحنه می‌رفت که تماشاگر را به خود نزدیک تر می‌دید و تأثیر ذهنی اش را به گونه‌ای مطلوب‌تر در معرض انتقال و دریافت با مخاطبانش قرار می‌داد. «قصر» با فاصله زیادی که در تالار و حدت با تماشاگران دارد عملاً همه تأثیراتش را زدست داده و با وجود



نگاهی به نمایش مریض خیالی اثر مولیر به کارگردانی گای سیمون از فرانسه

احیا مولیر

رضا آشفته

متعدد ولیس های رنگ وارنگ فضایی شلوغ و پرآب و تاب را تداعی میکنند. بازیگران با تسلط بر بیان بدنه و زیان یک لحظه هم از نمایش غفلت نمیکنند. هر چند در نیمه های کار سلطه گری کلمات بر اجرامانع از برقراری یک ضربه‌هنج متعادل می‌شود و باز دوباره در نیمه پایانی با استقرار حرکات موزون، موسیقی، شتاب بازیگران در ایجاد ارتیاط و البته تندشوندگی اجراء دست در دست هم می‌دهد تا ضربه‌هنج خوش‌نمایش بر نمایش جاری شود. بازیگر نقش دختر، بسیار پرشتاب و فرز می‌نماید او یکی از ارکان اصلی پیش‌برندگی اجراست. مابقی بازیگران نیز با عوض کردن لباس ها و ماسک های خود چندین نقش را بازی می‌کنند و سر آخر پیروز از میدان می‌رونند چون تماسگار ایرانی به گرمی و چندین بار گروه فرانسوی را تشییق می‌کنند. در نمایش با آن که متن مولیر به همان سیاق قدیمی و البته با کمی تعديل به صحنه می‌آید اما در زمان اجرا بهداهه نیز به طور کمنگ دیده می‌شود. شاید احترام به مولیر مانع از پردازش و تکیه زیادی بر بداهه شده است در صورتی که کمی دلارته با تکیه بر بداهه، متن شفاهی خود را پیش می‌برد. بنابراین اصالت اجرایی نیز کاملاً رعایت نمی‌شود. شاید ضرورتی به رعایت کامل آن نیست. چنانچه از اینار مکانیکی بالا و پایین بردن تخت آرکان استفاده می‌شود و در جای جای اجرایی تکنیک ویدئو حضور دارد و در پایان نیز اجرای موسیقی از طبق و پیشوای ساختار کار را به شیوه ای تکنیکال و مدرن گرمی زند. کلمه در متون کهن کاربرد زیادی دارد و همین اجرای از تصویری شدن به ویژه با تکیه بر شیوه اجرایی کلاسیک باز می‌دارد و همین مانع از ارتباط ظرفی تر با مخاطب خارجی (ایرانی) خواهد شد. شیوه های امروزی با تکیه بر تصویر و دوری جستن از بیان کلامی صرف به دنبال یک بیان فراگیر هستند و به مخاطب از ملل مختلف فکر می‌کند. البته آنچه گروه فرانسوی اجرا کرده است مطمئناً برای مخاطب فرانسوی است و نه خارجی !! به هر تقدیر دیدن یک اجرای کمی دلارته هم خالی از لطف نیست.

هر گاه کارگردانی، نمایش مریض خیالی مولیر را به صحنه می‌آورد، گویند یکبار دیگر این درام نویس و بازیگر توانند فرانسوی را زنده کرده است. این احیا به دلیل آن است که مولیر در این نمایش که آخرین اثر نوشتاری و اجرایی اش به شمار می‌آید، می‌میرد. هم اکنون صندلی این نمایش که بر آن مولیر نقش بیمار خیالی (آرگان) را بازی می‌کرد، در فرانسه نگهداری می‌شود. در ۱۷ فوریه ۱۶۷۳ مولیر با آن که بیمار و ناتوان بود اما به درخواست دور و بیرهایش گوش نکرد تا تماشاخانه را تعطیل کند و با تجدید قوادوباره پا به صحنه بگذارد. مسئله اول هم این بود که نمی‌خواست با تعطیلی تماشاخانه ۵۰ کارگر بیکار شوند و آخر شب دستمزدشان را نگیرند. او بالجاجت پا به صحنه گذاشت و در صحنه پایانی که خود را به بیماری زده است، سرفه راه گلوبیش را می‌بنند و با یک خنده دروغین بازی را تمام می‌کند. او را به خانه اش می‌برند و در آنجارگی در گلوبیش پاره می‌شود و جهش خون او را خفه می‌کند. گروه فرانسوی سعی بر آن داشتند تادر آمیختگی سبک کلاسیک و استفاده از عناصر و امکانات مدرن، نمایش مریض خیالی را اجرا کنند. مولیر انتقادی و اجتماعی جریانات دوران خود را می‌بیند و آن قادر ژرف است که پس از ۴۰۰ سال هنوز هم برای میانه ما معنا و مفهوم دارد. آثارش بین فارس و کمدی سیر می‌کند و البته او از دل هزل و هجو عبور می‌کند چون نگاهش به مسائلی به دور از بیان پلشی هاست. در این نمایش نیز او به جنگ پر شکه‌هایی رود تا یکبار دیگر از آنان انتقاد کند. پیرمردی شروع تند که می‌خواهد به زور دخترش را به عقد پیشکشی در آورد تا دیگر پولی صرف درمان بیماریهای عجیب غریبیش نکند. امادختر دل به یکی دیگر سپرده است و زیر بار خواسته پدر نمی‌رود. مرد به دخترش ۴ روز فرست می‌دهد تا تصمیم خود را بگیرد و گرنه باید راهبه شود. کلفت و برادر مرد در صدد بر می‌آیند تا این پدر پیر را از خواسته اش منصرف کنند. اما در نهایت دختر به دلداده خود می‌رسد. نمایش بر پیکره شیوه اجرایی کمی دلارته ایتالیایی سوار می‌شود و بازیگران با استفاده از نقاب های



Ciulli Was Honored at the Unveiling Ceremony of His Book

For many years of permanent efforts made in theater and making relations between different cultures, the Italian born German theater director Roberto Ciulli was honored at the unveiling ceremony of his book, "On Improvisation". The program was held in Faculty of Cinema and Theater in Tehran where Dr. Shahram Zargar, the director of theater department at the faculty as well as the director of Bidgol publications gave their presents to Ciulli and Khosro Mahmoudi, the translator of this book.

At this program Ciulli, the director of Ruhr Theater in Germany explained about the selection of Iranian works to be staged at Ruhr and the tendency of young artists for producing festival-based works: "There are not just young people who want their works appeal to Western festivals, but all the other generations of artists are prone to such a problem. Until now I have invited about 40 to 50 theater companies from Iran to Germany with a wide range of works including Ta'zyeh, Street theater, traditional and modern plays."

Describing his permanent activities in the field of Iranian theater, Ciulli asserted: "I think through artistic activities, it's possible to remove misconceptions produced by our media about Iran."

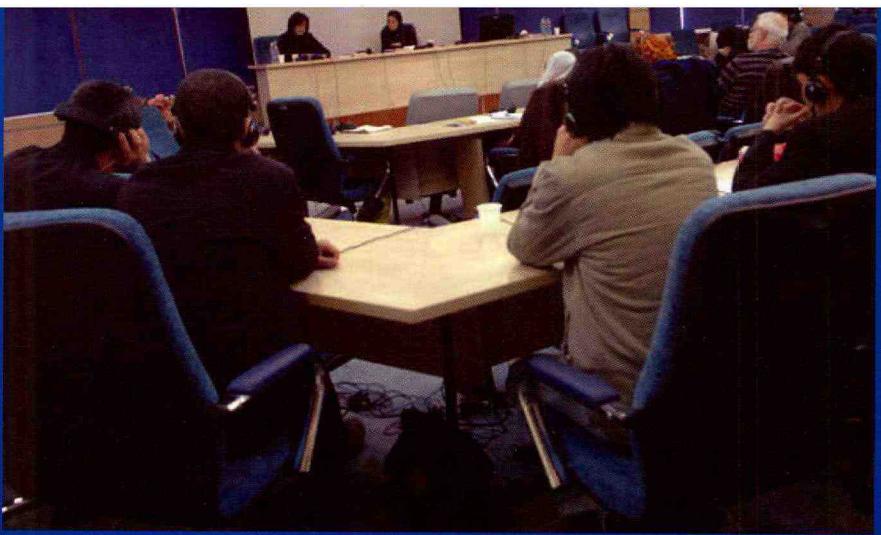
He regarded the multifaceted feature of Iranian theater as one of its merits and added that in comparison with Europe, Iran has a richer culture heritage: "There is a kind of poetry in the texts and dialogues which proves Iranian theater has something to say."

In the other part of his speech, Mr. Ciulli said Dennis in artistic terms Iranian theater has developed a lot, but in terms of facilities it has not promoted that much.

"Investment on Iranian theater should be increased to an acceptable level. The Iranians should not just think about increasing theater artists, because it's quite possible that the young people will not be provided with enough conveniences and lose their hope. There must be encouragements for young artists to pursue their careers," he pointed out

Ciulli also thanked the translator of his book, Khosro Ma'soumi: "He spent five years on this translation and learned German language. I'm so honored and pleased of his efforts that after 10 years of association with Iranian theater, a book has the remained of me in Farsi. He explained on his book: "As a matter of fact I haven't written this book. It has been formed through several interviews with me and actually is a collection of my interviews on the subject."





Theatre in Islamic countries

Attended by representatives from Tajikistan, Malaysia, Afghanistan and Netherlands, the first day of Seminar on Theatre in Islamic Countries was held on Thursday, January 27. The program was from the series of seminars organized during the 27th Fajr International Theater Festival.

Few Audiences for Tajikistan Theater

At the beginning, an invited university instructor from Tajikistan, Mohammad Allah Tabari explained briefly on the history of Tajikistan Republic from 1924 until now. He regarded the plays based on or influenced by the works of great Farsi poets as the best which have been staged in his country, those theatrical works which were inspired by Khayyam, Hafez and other great Iranian poets.

Describing the problems on the way of theater in Tajikistan, he said: "Despite all the difficulties occurred after independence from Soviet Union, theater artists have continued their activities. A new generation of Tajik artists headed by Farokh Qasem Theater Company was developed. They even staged the play, "Death of Yazdgerd" written by Iranian noted playwright and director Bahram Baiza'yi."

According to Tabari one of the key problems of theater in Tajikistan was the immigration of many Russian language artists who left the country. The other major problem is the lack of enough audiences. Despite all these problems, the young generation of theater artists in Tajikistan are working and they have staged outstanding plays of the world.

He then explained about theater halls in Tajikistan: "We have 16 theater halls which belong to governments and 10 of them are operating in Dushanbe, the capital of Tajikistan Republic. As a result of economic problems, the investment on theater has been declined. But Tajik artists try to be up-to-date and reflect social changes.

The population of Tajikistan is nearly 7 million and about 1.5 million are living in Dushanbeh.

Malaysian Theater and the Growth of New Islamic Thinking in 80s

Sabra Sheikh, a theater producer, director and actor from Malaysia was the next lecturer who accounted for Theatre

that country. Sheikh described various types out theatrical performances in Malaysia and explained how the people of that country converted to Islam: "In comparison with the other religions, Islam came later to Malaysia. Because it is a multi-cultured country, we have various kinds of theatrical performances. As English-language plays are staged alongside the other works which have Malaysia origins.

The Malaysian artist also spoke on theatrical activities in both Eastern and Western coasts of the Malaysia: "In eastern coast a type of theater with musical origins is performed. From the other hand, in Western coast we have another type of theater with Iranian origins, except these two there are ritual theaters which are performed on the occasion of harvest season.

Referring to Theater graduates in Malaysia who arrived on the scene after 1960s on, Sheikh said: "From the 70s avant-garde and absurd performances appeared on the stages of Malaysia. The artist then explained about the formation of a new Islamic thinking in the country which raised a new series of questions. At the same time the Ministry of Culture and the Ministry of Tourism were merged to devalue the culture and turn it into something attractive for tourists.

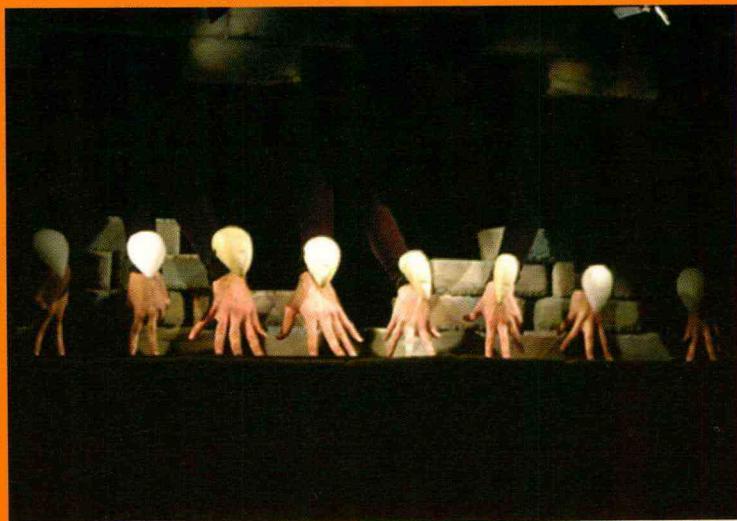
The next lecturer, Mieke Kolk the professor of Institute for Theatre studies at the University of Amsterdam, Netherlands introduced her two books on intercultural relations

"Imaginary Invalid" in Circus

and we have staged it. Through its cultural qualities, the play conveys a cultural message which influences and transcends time and space.

Let's ask a question on the sidelines of this festival. What changes Nicolas Sarkozy has made to French theater after he was elected as the president?

He pretends to be a proponent of culture and art. But actually he doesn't like minimalist theater. From the time he has been elected as president, theater halls have lost a portion of their audiences and currently the French theater suffers from disagreements and diversions. The plays should be entertaining otherwise they will be staged either in cafes or in streets. A new network of Mafia have been established in French theater which has divided the plays in two categories of "intellectual" and "entertaining". This trend will result to the elimination of private theater and has mostly targeted companies like us. Without attending the international theater or private performances, theater will decline in the land of art and culture.



An Interview with Martine Baudry on the Play Our Theater Is Not

By Mahdi Azizi

"Imaginary Invalid" written by Molière and directed by French director Guy Simone has been staged on the Main Hall of City Theater. In the absence of the director, Martine Baudry, one of the actors from Kronope Theatre Company attended for this interview and answered our questions.

Staging a play by Molière requires many changes and reductions. In this work how did you get through it?

We didn't reduce anything and didn't make critical changes in the play. When you read a play by Molière it takes something more than an hour. As a matter of fact the performances of this play in Elize or other palaces were accompanied by long dances and large spectacles which made the whole work so long. But we show these scenes in just a minute to move away from aristocracy.

How do you see the relation of the audience with this work?

You see this play is a combination of classic-modern approach which is somehow difficult for the audience to understand. We have tried to represent such combination in the best way. The response of Iranian audiences was strange for us. We didn't know that they have communicated with the work or not, but as the play went further, we realized that the viewers have been more attracted to the work. Actually Iranian audiences responded like children who do not understand our words, but are able to communicate with the signs of the play.

In these times when numerous subjects can attract the attention of people, how much your play has been able to influence the audience?

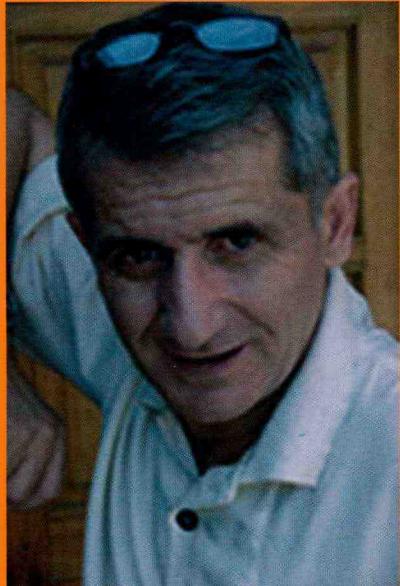
We didn't want to offer a circus or carnival to gain the attention of the audience through movement, music and dance at any price.

Is the function of mask in your play in line with influencing the viewers?

Yes, we used masks to gauge its influence on the audience. In fact mask is a way for making a distance between major and minor characters. Those characters who have a mask are neutral in dramatic terms and those who don't have, represent deeper characters in the narrative.

Could your play put forward key social issues and challenge them?

Obviously culture is a public pleasure. You can observe this fact clearly in our country. France is the cradle of art, culture and thinking. The globalization of this art is in line with the enrichment of artistic heritages. But pedantic approach can not signify that the work will be rich and influential. From the other hand, Molière has written a delightful play



Theater87

No. 8
Wednesday
January 28th

Daily Bulletin of the 27rd
International Fajr Theater
Festival

